

Palestine as a Camp; the Zionist Regime's "Thanatopolitic" Approach to the Gaza Crisis

Jamshid Kholghi

PhD in Political Science and University Lecturer, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran, j.kholghi400@gmail.com

Alireza Samiee Esfahani *

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, a.samiee@ase.ui.ac.ir

Sara Farahmand

Master's Degree in Political Science, Qazvin Payam-e- Noor University, Qazvin, Iran
sfarahmand457@yahoo.com

Abstract

Objective: The foregoing research is to investigate What approach the Zionist regime has taken after the October 7th, 2023 events against "hamas" and in general Palestinians living in Gaza.

Method: the Research is based on qualitative, interpretive method, and for data collection is used library resources and articles and scientific analysis of cyberspace databases.

Results: Using Foucault, Schmidt and Giorgio Agambens' theoretical concepts about the mechanisms of social control based on biopolitical and thanatopolitic approach; The findings show that the Zionist regime has been trying to do in recent months, given the lack of existential legitimacy and subsequent threats perceived by Palestinian resistance groups to its ontological security or historical existence, in the form of a thanatopolitic approach, redefine and reproduce the rule of "exception", and strategies such as; Othering (inhumanization, animalization) and securitization of space, location and identity, has led the people of Gaza as "Homosacer" or an inverted subject of biopolitics in "Bare life" (the position of death and elimination, and at best, in a minimal form of life); the subjects based on the regulations and orders issued by the Zionist regime's repressive Aparatus in exception; the daily forms of repression and, according to Agamben, are exposed to victimization and elimination without punishment.

Conclusion: The result of this study based on the latest Palestinian survey shows that despite the intensity and extent of the thanatopolitic mechanism employed by the Zionist regime towards the Gaza people and the many calamities that have suffered during the recent war, the Palestinian people, especialy Gaza strip, while supporting hamas, continue to adhere to the original aspirations of the "Resistance groups" as well as the sovereignty of the Palestinian people over the occupied territories.

Keywords: Exception, Thanatopolitic, Gaza, Israel, Hamas, Camp.

Article type: Research

* Received on 14 February, 2024 Accepted on 27 April, 2024

Cite this article: Kholghi, Samiee Esfahani & Farahmand (2024) Palestine as a Camp; the Zionist Regime's "Thanatopolitic" Approach to the Gaza Crisis, Spring 2024, Vol.13, NO.1,

DOI: 10.30479/psiw.2024.19991.3311

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Alireza Samiee Esfahani (a.samiee@ase.ui.ac.ir)

فلسطین به مثابه اردوگاه؛ بررسی رویکرد «تاناتوپلیتیک» رژیم صهیونیستی در

قبال بحران غزه

جمشید خلقی

دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، شیراز، ایران، j.kholghi400@gmail.com

علیرضا سمعی اصفهانی *^{ID}

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ase.ui.ac.ir، a.samiee@ase.ui.ac.ir

سارا فرحمند

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور قزوین، قزوین، ایران، sfarahmand457@yahoo.com

چکیده

هدف: پژوهش پیش‌رو پاسخ به این پرسش اصلی است که رژیم صهیونیستی پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، چه رویکردی در قبال حماس و به طور کلی فلسطینیان ساکن غزه در پیش گرفته است.

روش: روش پژوهش، کیفی از نوع انتقادی، و روش گردآوری داده‌ها بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقالات و تحلیل‌های علمی پایگاه‌های اطلاعاتی فضای مجازی است.

یافته‌ها: با بهره‌گیری از مفاهیم نظری فوکو، اشمیت و جورجیو آگامبن در زمینه سازوکارهای اعمال کنترل اجتماعی (مقتادسازی سوژه‌ها) بر پایه رویکرد بیوپلیتیک (زیست سیاست) و تاناتوپلیتیک (مرگ سیاست)، یافته‌ها نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی با توجه به نبود مشروعیت وجودی و در پی آن تهدیدات ادراک شده از سوی گروه‌های مقاومت فلسطینی نسبت به امنیت هستی‌شناختی یا موجودیت تاریخی خود، طی چند ماه اخیر تلاش کرده است در قالب رویکرد تاناتوپلیتیک، با بازتعریف و بازتولید حاکمیت «وضعیت استثنا»، و راهبردی‌هایی مانند دیگری‌سازی (غیرانسانی‌سازی، حیوانی‌سازی) و امنیتی‌سازی فضا، مکان و هویت، مردم غزه را به مثابه «هوموساگر» یا وارونه‌ای از سوژه‌های زیست سیاست در وضعیت «حیات برهنه» (موقعیت مرگ و نابودی و در بهترین حالت، شکلی حداقلی از زندگی) قرار داده است، سوژه‌هایی که بر پایه مقررات و فرامین امنیتی صادر شده توسط آپاراتوس سرکوبگر رژیم صهیونیستی در شرایط استثنا مستعد اشکال روزمره سرکوب و به تعبیر آگامبن بدون مجازات در معرض قربانی شدن و نابودی قرار دارند.

نتیجه‌گیری: نتیجه این پژوهش مبتنی بر تازه‌ترین افکارسنجی فلسطینیان نشان می‌دهد به رغم شدت و گستردگی اعمال سیاست تاناتوپلیتیک از سوی رژیم صهیونیستی در قبال مردم غزه و مصائب فراوانی که طی جنگ اخیر متحمل شده‌اند، مردم فلسطین، بویژه غزه ضمن حمایت از حماس، همچنان به آرمان‌های اصیل گروه‌های مقاومت پایبند و همچنین حاکمیت مردم فلسطین بر سرزمین‌های اشغالی امیدوار هستند.

واژگان کلیدی: وضعیت استثنا، تاناتوپلیتیک، غزه، اسرائیل، حماس، اردوگاه.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۲/۸
استناد: خلقی، سمعی اصفهانی و فرحمند (۱۴۰۳)، فلسطین به مثابه اردوگاه؛ بررسی رویکرد «تاناتوپلیتیک» رژیم صهیونیستی در قبال بحران غزه، بهار ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۱، پیاپی ۴۹.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

درگیری‌های چند ماه اخیر بین رژیم صهیونیستی و حماس، مناطق اشغالی فلسطین بویژه غزه را در وضعیت «اردوگاهی» قرار داده و عملاً این منطقه را به «بزرگترین زندان رو باز جهان» تبدیل کرده است. حمله غافل‌گیرکننده گروه‌های شبه نظامی به رهبری حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مرحله جدیدی از رویارویی میان گروه‌های مقاومت فلسطینی در غزه و رژیم صهیونیستی را رقم زد. اندکی پس از آن، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در تلویزیون ظاهر شد و اعلام کرد که اسرائیل در وضعیت جنگی قرار دارد. روز بعد، کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی برای نخستین بار در نیم قرن گذشته اعلامیه رسمی جنگ را با استناد به ماده ۴۰ قانون اساسی این رژیم تصویب کرد. مبارزان فلسطینی حمله خود را عملیات «طوفان الاقصی»^۱ نامیدند و چندین آژانس خبری و ناظران این درگیری را به عنوان انتفاضه سوم، پس از قیام‌های پیشین فلسطین در انتفاضه اول و دوم توصیف کرده‌اند. در مقابل رژیم صهیونیستی، عملیات متقابل خود را «شمشیرهای آهنین»^۲ نام نهاد (Sengupta, 2023 & MacKernan, 2023). برخی دیگر به علت همزمانی روز حمله با «جشن سوکوت»^۳ از آن به عنوان «جنگ سوکوت» یاد کرده و بسیاری دیگر از تحلیل‌گران و مقامات سیاسی، حمله اولیه را «لحظه ۱۱ سپتامبر رژیم صهیونیستی» توصیف کرده‌اند (Sanz et al, 2023). با این حال، بسیاری از تحلیل‌گران صهیونیست این جنگ را «جنگ استقلال دوم» یا «جنگ موجودیتی» برای اسرائیل می‌دانند و معتقدند که نظریه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و ایده مربوط به «پناهگاه امن» برای یهودیان و تئوری «پلیس منطقه» و قدرت مسلط بر منطقه که تمامی آنها برای توصیف اسرائیل به کار گرفته می‌شد در هم شکسته شده است. نوار غزه و رژیم صهیونیستی از زمان عقب‌نشینی این رژیم از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ و کنترل حماس بر آن پس از انتخابات ۲۰۰۶ و جنگ داخلی با فتح در سال ۲۰۰۷ با یکدیگر در حال نزاع بوده‌اند.

با نگاهی به گذشته می‌توان دریافت که رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس در سال ۱۹۴۸م، آنچه را که «مقررات اضطراری / وضعیت استثنایی» نامیده می‌شد، تصویب کرد که در واقع تداوم و تثبیت شرایطی بود که از سوی حاکمیت بریتانیا در سال ۱۹۴۵ بر فلسطین تحمیل گردید. «اگرچه در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ این منطق دستخوش تحولات اساسی شد و در سال ۱۹۸۸ زمانی که سازمان آزادیبخش فلسطین خود را با موجودیت کشور اسرائیل آشتی داد، تغییر کرد. با این حال، این بیانیه تا زمان توافق اسلو در سال ۱۹۹۳ که به طور رسمی توسط رژیم

1. Al-Aqsa Storm Operation

2. Iron Sword Operation

۳. سوکوت (Sukkot)، یکی از اعیاد مهم قوم یهود است، که به عید سایبان‌ها و همچنین جشن جمع آوری محصول در پاییز هم شناخته می‌شود، سوکوت یادآور زمانی است که قوم اسرائیل در بیابان سرگردان بودند.

صهیونیستی به رسمیت شناخته شد، متقابلاً مورد تایید قرار گرفت. بنابراین به هر قصد و نیتی، قرارداد اسلو در این زمینه تغییر دهنده بازی بود و مسئله نابودی هر یک از این دو دولت را منسوخ می‌کرد» (Amir, 2017, 2). با این حال در زیر سطح اعلامیه‌های رسمی، تصویر پیچیده‌تری نمایان می‌شود. از آنجایی که به نظر می‌رسد نگرانی‌های ناشی از امنیت هستی‌شناختی یا موجودیت تاریخی کشور اسرائیل، همواره گریبانگیر رژیم صهیونیستی بوده است و تأسیس واقعی دولت فلسطین، پیوسته به تعویق می‌افتد، احتمال نابودی هر یک از نهادهای سیاسی نیم بند بر سیاست این منطقه‌ای حاکم است. رژیم صهیونیستی این شرایط دشمنی را به منزله «بازی حاصل جمع صفر» تعبیر کرده است که به منطق «عدم به رسمیت شناختن» اشاره دارد. به تعبیر آگامبن می‌توان گفت؛ آنچه در سرزمین‌های اشغال شده حاکم است، سیاست توأمان «حذف و ادغام» یا سناریویی است که فلسطینی‌ها در آن گنجانده شده‌اند و طور همزمان کنار گذاشته شده‌اند. همانگونه که ست فریدمن، نویسنده اسرائیلی اشاره می‌کند؛ رژیم صهیونیستی از تاریخ درد و رنج یهودیان برای ایجاد یک «فرهنگ ترس و وحشت پایدار» استفاده می‌کند تا اقدامات امنیتی و وحشیانه خود را در قبال فلسطینیان توجیه کند (Pappe, 2008, 14).

بنابراین از سال ۱۹۴۷ تاکنون رژیم صهیونیستی با مدیریت و هدایت فلسطینیان در محیط‌های به شدت امنیتی شده (مانند بیت‌المقدس شرقی، کرانه باختری، غزه و...) عملاً آنها را به مثابه «هوموساگر» در وضعیت «حیات برهنه» فروکاسته است. مقررات و فرامین استثنایی حاکم بر این سرزمین‌ها از یک سو شامل گسترش اختیارات اقتدار نظامی در زمان جنگ به حوزه مدنی و از سوی دیگر، تعلیق هنجارهای قانون اساسی است که از آزادی‌های فردی محافظت می‌کند. این رویکرد، پس از حمله حماس به مواضع اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به طرز بی‌رحمانه‌ای تشدید یافته است؛ به‌نحوی که نوار غزه طی ماههای اخیر به میدان جنگ گروه‌های رقیب تبدیل شده و کشته‌شدن صدها غیرنظامی، تخریب منازل مسکونی، مراکز درمانی و بهداشتی و ... در پی داشته است. حال پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که رژیم صهیونیستی، پس از درگیری ۷ اکتبر ۲۰۲۳، چه رویکردی را در قبال حماس و مردم غزه در پیش گرفته است، مؤلفه‌های اساسی این رویکرد چیست و چه اهدافی را در پی عملیاتی شدن این رویکرد دنبال می‌کند؟ در ادامه تلاش می‌گردد با تمرکز بر مفاهیم نظری فوکو و آگامبن در زمینه سازوکارهای بیوپلیتیک^۱ (زیست سیاست) و تاناتوپلیتیک^۲ سوزه‌سازی و اعمال کنترل اجتماعی از سوی دولت‌های مدرن، رویکرد دولت اسرائیل نسبت به بحران غزه و گروه شبه‌نظامی حماس و فلسطینیان ساکن غزه را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

1. Bio-Politics
2. Thanatopolitics

با جستجویی ساده در موتورهای جستجوگر در فضای مجازی به راحتی می‌توان دریافت که از زمان آغاز عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس علیه رژیم صهیونیستی تا زمان نگارش این مقاله، هیچ تحلیل آکادمیکی منسجم و درخوری در مورد موضوع این پژوهش به زبان فارسی و یا حتی لاتین منتشر نشده است، پیش از آن نیز با رویکرد انتخابی این نوشتار (رویکرد بیوپلیتیک/تاناتوپلیتیک) دست کم به زبان فارسی هیچ مقاله‌ای در خصوص درگیری‌های رژیم صهیونیستی با گروه‌های مقاومت فلسطینی نمی‌توان یافت. بنابراین، با توجه به این که به نظر می‌رسد از لحاظ تاریخی، ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نقطه عطفی در رویارویی طرفین (از حیث تحول در رویکردها، تاکتیک‌ها، اهداف و روش و ابزارهای به کار گرفته شده برای مقابله به حاشیه‌رانی و احتمالاً حذف یکدیگر) در سرزمین‌های اشغالی به شمار می‌آید و این مسئله پیامدهای شگرفی برای موجودیت و هویت رژیم صهیونیستی، همچنین گروه‌های مقاومت فلسطینی و در نهایت سیاست و معادلات حاکم بر منطقه خاورمیانه (بوژه بازآرایی احتمالی نظم منطقه‌ای) در پی خواهد داشت، ضرورت و اهمیت این پژوهش (البته با تمرکز بر نگاه ویژه آن به موضوع) بیش از پیش آشکار می‌گردد.

۱- تمهیدات نظری پژوهش

«تاناتوپلیتیک» یا سیاست مرگ و نابودی، یکی از شاخه‌ها یا مفاهیم هم‌پیوند حوزه مطالعاتی «بیوپلیتیک» یا زیست‌سیاست است. به عنوان یک حوزه پژوهشی مدرن، زیست‌سیاست تا حد زیادی از کار میشل فوکو^۱ (۱۹۸۴-۱۹۲۶) سرچشمه می‌گیرد؛ به ویژه در آثار بعدی وی، که در آنها عمیقاً به تلاقی قدرت دولت با بدن، و همچنین با حکومت‌مندی^۲ و هدایت رفتار توجه می‌شود. «هدایت رفتار» یعنی اینکه چگونه افراد با روش‌ها و تکنیک‌هایی فهم و تصور خود را شکل می‌دهند و به نوبه خود اشکال خاصی از کنش را طبیعی و بهنجار می‌سازند. (Lemke et al., 2001, 190-207). به اعتقاد او تکنیک‌های «سلطه» و تکنیک‌های «خود» مکمل یکدیگرند و فرآیندهایی را تضمین می‌کنند که «خود» از طریق آنها «ساخته» یا اصلاح می‌شود. به همین دلیل، فوکو حکومت‌مندی را «مکانیسم‌های هدایت رفتار» می‌نامد که از «حکومت بر خود» تا «حکومت بر دیگران» متغیر است. در مجموع، فوکو در تاریخ حکومتداری «خود» تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه دولت مستقل مدرن و فرد مستقل مدرن، ظهور یکدیگر را تسهیل و تضمین می‌کنند (Foucault, 1993, 203-204).

به اعتقاد فوکو در دولت-ملت مدرن، سازماندهی قدرت بر «زندگی» که حول مقررات بدن (قدرت انضباطی) و مقررات جمعیت‌ها (قدرت زیستی) مستقر شده است، زندگی انسان‌ها بواسطه مکانیسم‌های قدرت دولتی، تنظیم و هدایت می‌شود. بدین ترتیب، «سیاست به زیست‌سیاست»

1. Michel Foucault
2. Governmentality

«دولت/حاکم سرزمینی» به «دولت/حاکم جمعیت» و زندگی بیولوژیکی ملت به مشکل قدرت حاکم بدل می‌گردد که او آن را «قدرت زیستی» می‌نامد. از طریق فناوری‌های مختلف دولتی، زیست قدرت، «بدن مطیع» را ایجاد می‌کند و جمعیت و بهبود آن - زندگی، رفاه، طول عمر، سلامت آن - به هدف نهایی «اقدامات دولت» تبدیل می‌شود. به تعبیر فوکو همراه با تحول سرشت قدرت و تبدیل آن به «قدرت زیستی»، قدرت در حوزه زندگی، بومی‌سازی شد و به سمت «سرمایه‌گذاری» (اداره بدن‌ها و مدیریت حساب شده زندگی) هدایت شد. بنابراین «جنگ» دیگر به نام حاکمیتی که باید از آن دفاع کرد به راه نمی‌افتد، بلکه به نام جامعه‌ای که باید از آن دفاع کرد به وقوع می‌پیوندد. از این رو، رژیم‌های سیاسی، کشتار و قتل‌عام را علیه مردم خود و ساکنان سایر سرزمین‌ها آغاز می‌کنند که نوعی خطر بیولوژیکی را در پی خواهد داشت (Foucault, 1978; 2003, 139-140).

فوکو در سلسله سخنرانی‌های خود در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۵ در کالج دو فرانس، موضوع انتقال از قدرت حاکمیتی دولت سرزمینی قدیم، با سیاست «بمیران و بگذار زندگی کنیم»، را به قدرت زیستی مدرن، «زندگی کن و بگذار بمیرد» مطرح می‌کند. وظیفه دفاع از جامعه در برابر خود (و دفاع از ملت در برابر دیگران بومی و مهاجر) به این معنی است که دولت به سختی می‌تواند بدون «نژادپرستی» عمل کند، که فوکو آن را «گسست بین آنکه باید زندگی کند و آنکه باید از میان برود» می‌داند. بنابراین «نژادپرستی» دو کارکرد دارد، اولی جدا کردن گروه‌ها در یک جمعیت، دومی ایجاد رابطه بین زندگی من و مرگ دیگری، هر چه گونه‌های پست‌تر از بین بروند من بیشتر به عنوان «گونه‌ای» و نه «فرد» می‌توانم زندگی کنم و قوی‌تر خواهم ماند» (Foucault, 1978, p. 135 & 2003, 255).

پس از فوکو، جورجیو آگامبن^۱ فیلسوف ایتالیایی (۱۹۹۸) شاید شناخته شده‌ترین بیان را از مفهوم «بیوپلیتیک و تاناتوپلیتیک» عرضه داشته است. آگامبن، برخلاف فوکو، زیست سیاست را پارادایم کلی و مسلط سیاست غرب می‌داند و اصرار دارد که برقراری داوطلبانه وضعیت استثنایی پایدار به یکی از اقدامات اساسی دولت‌های معاصر از جمله رژیم‌های به اصطلاح دموکراتیک بدل گردیده است (Agamben, 2005, 2). در واقع، تاناتوپلیتیک، ثمره تعریف و ایجاد «وضعیت استثنا» از سوی حاکم است. به گفته کارل اشمیت^۲ نظریه پرداز حقوقی نازی، که برای نخستین بار ایده وضعیت استثنا را مطرح کرد، «وضعیت استثنایی» به عنوان پاسخی به خطری که برای ادامه حیات دولت وجود دارد، توسط حاکم تعیین می‌شود. در عین حال، حاکمیت با همان حالت استثنایی که او ایجاد کرده، برپا می‌شود. به عبارت دیگر، حاکم، هم حالت استثنا (قانون) را ایجاد می‌کند و هم خود را خارج از قانون قرار می‌دهد (Schmitt, 2005, 7-25). آگامبن در مورد کاربرد کلی وضعیت می‌نویسد: «با کنار گذاشتن یکباره زندگی برهنه از نظم سیاسی و در عین حال

1. Giorgio Agamben

2. Carl Schmidt

تسخیر/ادغام آن در نظم سیاسی، وضعیت استثنا در واقع در همان جدایی و انفکاک خود ساخته می‌شود، این وضعیت، شالوده پنهانی را تشکیل می‌دهد که کل نظام سیاسی مدرن بر آن استوار است» (Agamben, 1995, 9). از نظر وی، وضعیت استثنا، یک حالت «امنیتی» است که از پارادایم امنیت به عنوان «تکنیک‌های عادی دولت» بهره می‌گیرد (Agamben, 2005, p. 14). با این تعبیر، وضعیت استثنا، فرآیند انتقال قدرت نامعین به یک قاعده حاکمیتی است که بر پایه آن می‌تواند هرگونه «حقوق طبیعی» و «منافع قانونی» گروه «رها شده» یا تحت ستم را تغییر داده یا تعلیق نماید. براین اساس، آگامبن، «مرگ» را به عنوان ابزار نهایی در دسترس دولت/ حاکم برای اعمال سلطه کامل بر افراد مسقر در وضعیت استثنا تلقی می‌کند (Murray, 2006; 2008, 203-7). (Blencowe, 2010, 113-130). مرگ وسیله‌ای برای کاهش کامل زیست‌ها و زندگی‌های انسانی واجد حقوق به «زونه»^۱ یا «زندگی برهنه» است که ممکن است بدون عواقب پایان یابد. در اینجا، مرگ به عنوان نتیجه اجتناب‌ناپذیر، زمانی رخ می‌دهد که انسان‌ها از حقوق خود سلب می‌شوند و به عنوان «دشمن» با آنها رفتار می‌شود، بنابراین، سیاست تاناتوپلیتیک دقیقاً مربوط به استفاده از زور و خشونت علیه افراد آسیب‌پذیر است. سوژه‌ها در «وضعیت استثنا» به شکل «اصلی» زندگی تقلیل می‌یابند، وجودی که آگامبن آن را «زندگی برهنه» می‌نامد (Agamben, 1998, 11-13). در اصل، زندگی برهنه شکلی از هستی است که ستم‌دیدگان را به شکل «حداقلی» زندگی تقلیل می‌دهد، که در آن زندگی به «شکل سیاسی شده»، «استثنایی» است که می‌تواند آماج حمله، حذف و مرگ قرار گیرد. به گفته آگامبن در عصر مدرن، «اردوگاه‌آ»^۲ تجسم خالص‌ترین شکل «وضعیت استثنایی» است، زیرا جنایات وحشتناکی به طور منظم تحت نظارت قوانین اصلاح شده توسط یک حاکم خارجی اتفاق می‌افتد. از نظر او اردوگاه به پارادایم اصلی زیست‌سیاست مدرن تبدیل شده است (Agamben, 1998, 88- 117). روبرتو اسپوزیتو^۳ (۲۰۰۸، ۲۰۱۱) نیز معتقد است؛ تاناتوپلیتیک ایجاد نوعی جدایی و تمایز در پیوستار بیولوژیکی بین آنهایی است که باید زنده بمانند و برعکس، کسانی که باید کشته شوند و کارکرد اساسی‌تر آن رابطه مستقیمی است که بین این دو وجود دارد به این معنا که اساساً مرگ دومی است که بقای اولی را ممکن می‌سازد (Esposito, 2008, 110).

در راستای همین خط فکری، هانیدا غنیم جامعه‌شناس و مردم‌شناس فلسطینی (۱۹۵۰) به واقعیت ژانوسی زیست‌سیاست اشاره و تاکید می‌کند که زیست‌سیاست معاصر در واقع همان «تاناتوپلیتیک» یا «مرگ سیاست» است. غنیم به درستی اشاره می‌کند که؛ درک مدیریت جمعیت سرزمین‌های اشغالی، صرفاً با تکیه بر مفهوم تحلیلی زیست قدرت و زیست سیاست (مفهومی که در تحلیل مدیریت جمعیت در دولت-ملت مدرن اروپایی توسعه یافته است)، امکان‌پذیر نیست.

1. Zoë

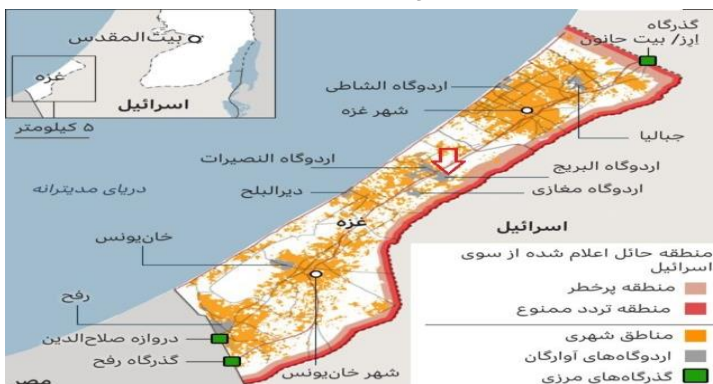
2. Camp

3. Roberto Esposito

در عوض، نقطه مقابل قدرت زیستی - تاناتوپلیتیک - چارچوب مفهومی مناسبی برای درک نحوه مدیریت فضاها و اشغال شده و جمعیت‌های تحت استعمار رژیم صهیونیستی است. اقدامات بیوپولیتیک دولت مورد نظر فوکو، زندگی جمعیت را مدیریت می‌کند، اما برای برخی از گروه‌های درون جمعیت، حکومت به پیام آور مرگ یا ماشین کشتار^۱ تبدیل می‌شود. در وضعیت سلطه استعماری، زندگی رعایا مصادره می‌شود و در معرض تهدید پایدار مرگ قرار می‌گیرد، مرگ به سایه‌ای دائمی تبدیل می‌شود که آنها را همراهی می‌کند، مرگ در انتظار است - بارها و بارها، لحظه به لحظه (Ghanim, 2005, 181-186 & 2018, 67). بنابراین از نگاه قربانیان قدرت، تاناتوپلیتیک همیشه مکملی از زیست قدرت است که در آن لحظات حساس گذر از «محاسبه زندگی» به «محاسبه مرگ» از «مدیریت زندگی» تا «مدیریت مرگ» و از «سیاسی شدن زندگی» تا «سیاسی شدن مرگ» و به طور کلی برای مدیریت و توجیه اخلاقی خشونت و کشتار فراخوانده می‌شود. (Ghanim, 2018, 68).

در ادامه بر پایه چارچوب نظری تاناتوپلیتیک، ابتدا اشاره مختصری به نحوه شکل‌گیری و تداوم حیات رژیم صهیونیستی بر پایه وضع «قوانین اضطراری» در «وضعیت استثنا» خواهیم داشت و آنگاه مؤلفه‌ها و مکانیسم‌های «هوموساکر سازی» فلسطینیان و قرار دادن آنها در موقعیت «حیات برهنه» را با تمرکز بر رویدادهای پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

نمودار (۱) موقعیت جغرافیایی غزه، اردوگاهها، گذرگاهها و مناطق پرخطر



1. Thanatopower

۲- بحث و تحلیل

۲-۱. رژیم صهیونیستی؛ تولد و تداوم وضعیت استثنا

چنانکه در بحث نظری اشاره شد در واقع، سیاست تاناتوپلیتیک ثمره تعریف و ایجاد «وضعیت استثنا» از سوی حاکم است. «وضعیت استثنا» به عنوان پاسخی به خطری که برای ادامه حیات دولت وجود دارد، توسط حاکم تعیین می‌شود. در عین حال، حاکمیت با همان حالت استثنایی که او ایجاد کرده، برپا می‌شود. سوژه‌ها در «وضعیت استثنا» به شکل «اصلی» زندگی یا حیات برهنه تقلیل می‌یابند وضعیتی که در آن می‌توانند آماج حمله، حذف و مرگ قرار گیرند.

بر همین قیاس، رژیم صهیونیستی از بدو شکل‌گیری در سال ۱۹۴۸م در راستای سیاست‌ها و منافع استعماری قدرت‌های بزرگ و بر پایه پارادایم امنیت (وضعیت استثنا) متولد شد و بر همین مبنا نیز به حیات خود ادامه داده است. به گفته شنهاو، «در اسرائیل، وضعیت اضطراری دائمی وجود دارد. دولت، وارث «مقررات اضطراری» فرمان بریتانیایی شد که بر اساس آن تعلیق غیرعادی قانون را در چارچوب قانون ادامه داد... این وضعیت این امکان را فراهم می‌کند که یک قانون (زندگی) برای اکثریت شهروندان دولت، و قانون دیگری (مرگ، تهدید به مرگ، تهدید اخراج و...) برای رعایای دولتی که در حیات «برهنه» زندگی می‌کنند، تعریف و وضع گردد» (Shenhav, 2006, 206-7). در واقع این روند (تاریخ طولانی پروژه استعماری اسرائیل) باعث شده است که فلسطینی‌ها به مازاد بشریت و موجودات یکبار مصرف تبدیل شوند. از این رو باید پیامد زیست‌سیاست رژیم صهیونیستی را تولید زندگی برهنه دانست که در فلسطین تبدیل به «هنجار» شده است و همه وجوه زندگی میلیون‌ها فلسطینی را تحت تاثیر قرار داده است. در زیر به برخی از مهمترین اصول قانون اساسی و مصوبات قوای سه‌گانه رژیم صهیونیستی که موجب وضعیت استثنا و رویه‌های تبعیض‌آمیز و به طور کلی رژیم حقوقی ستم و سلطه بر علیه فلسطینیان شده اشاره می‌گردد:

طبق اصول قانون اساسی اسرائیل، شهروندی در اسرائیل به تابعیت و ملیت تقسیم می‌گردد و ملیت بین یهودیان و عرب‌ها تمایز قائل می‌شود (Jabareen & Bishara, 2019, 46-55) یا به عبارت بهتر دوگانگی به وجود می‌آورد از این رو شهروندی خود به ابزاری برای تسلط و ساخت نژاد تبدیل شده و بین مهاجران که به عنوان شهروندان طبیعی و اصیل در نظر گرفته می‌شوند و بومیان که به عنوان بیگانگان و مهمانان طبیعی در سرزمین خود تلقی می‌گردند، تمایز قائل می‌شود. برای نمونه، «قانون بازگشت» در سال ۱۹۵۰ به یهودیان اجازه مهاجرت به اسرائیل را می‌دهد. اما این حق را از فلسطینی‌های متولد اسرائیل کنونی که در جریان نکهه اخراج شده‌اند، سلب می‌کند (Adalah, 2017c).

همچنین کنست^۱ (پارلمان اسرائیل) در ۱۰ مارس ۲۰۲۲، قانون جدید تابعیت و ورود به کشور را به تصویب رساند و محدودیت‌هایی را جایگزین قانون قبلی کرد که در سال ۲۰۲۱ منقضی شده بود. این قانون ورود اتباع فلسطینی از کرانه باختری یا غزه، ایرانیان، عراقی‌ها، سوری‌ها و لبنانی‌ها به اسرائیل را ممنوع می‌کند. به نظر می‌رسد می‌بایست ممنوعیت این قانون (شهروندی) را آخرین تلاش اسرائیل برای تثبیت برتری قومی از طریق ترویج سیاست‌های نژادپرستانه که قدمت آن به سال ۱۹۳۹ باز می‌گردد، دانست (Country Reports on HRP, 2022). چرا که دولت اسرائیل، فلسطینی‌های کرانه باختری و غزه را که با شهروندان فلسطینی اسرائیل ازدواج کرده‌اند از کسب اقامت یا شهروندی آنها جلوگیری می‌کند. هزاران خانواده فلسطینی تحت تاثیر این قانون قرار گرفته و مجبور به جدایی، مهاجرت به خارج یا زندگی در اسرائیل در ترس از اخراج دائمی شده‌اند. همچنین این قانون به شین‌بت اجازه می‌دهد تا بدون حکم دادگاه، داده‌های همه کاربران خدمات مخابراتی در اسرائیل را جمع‌آوری کرده و اطلاعات شخصی را بدون نظارت جستجو و پردازش کند، این اطلاعات به طور بالقوه شامل داده‌های موقعیت مکانی افراد، گرایش جنسی، مشارکت در اعتراضات، و دیدگاه‌های سیاسی می‌شود. افزون بر این، استفاده از فناوری تشخیص خودکار پلاک و فیلم سرنشینان خودرو برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به سفرهای داخل کشور توسط پلیس به صورت مجاز استفاده می‌شود، چرا که به زعم پلیس رژیم صهیونیستی این فناوری به عنوان یک ابزار مهم و غیرقابل جایگزین برای جلوگیری از فعالیت‌های مجرمانه عمل می‌کند (Country Reports on Human Rights, 2022, 1-69).

رژیم صهیونیستی همچنین، ۲ ماه پس از اشغال سرزمین‌های فلسطینی در جنگ ۱۹۶۷، دستور نظامی ۱۰۱ را صادر و اساساً همه فعالیت‌های مدنی فلسطینی‌ها را جرم‌انگاری کرد؛ این دستور نظامی که هنوز در کرانه باختری اشغالی مورد استفاده قرار می‌گیرد، حتی اهتزاز پرچم‌ها و هرگونه فعالیت نشان‌دهنده همدلی با گروه‌های مقاومت را غیرقانونی اعلام کرده است. سه سال بعد دستور نظامی دیگری (۳۷۸) از سوی رژیم صهیونیستی صادر شد؛ براساس این دستور نظامی، دادگاه‌های نظامی تاسیس شدند تا اساساً همه اشکال مقاومت فلسطین در برابر اشغالگری این رژیم را با ادعای «تروریسم» غیرقانونی اعلام کنند (خبرگزاری میزان، ۱۷ مهر ۱۴۰۲).

مصوبات قانونی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز سیستماتیک و نهادینه شده در حوزه زمین و مسکن بر علیه فلسطین را می‌توان یکی دیگر از پایدارترین پیامدهای نژادپرستی ساختاری در اسرائیل دانست (Saabneh, 2021, 2539). چراکه از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی و طی ۷۰ سال گذشته، سیاست‌های دولتی ملی‌سازی اراضی در مجموعه‌ای از قوانین تدوین شده است که به طور موثری زمین‌های فلسطینی را مصادره و به دولت منتقل کرده است، این سیاست، گسترش جوامع فلسطینی و دسترسی آن‌ها به زمین را ممنوع می‌کند (Falsh, 2003, 179-209) (Jiryis,)

104-82, 1973). بطوری که امروزه، ۹۳ درصد از زمین‌ها در اسرائیل توسط دولت یا نهادهای شبه‌دولتی کنترل می‌شود و بیش از ۸۰ درصد از زمین‌ها برای خرید یا اجاره فلسطینی‌ها بر اساس «تعلق ملی» غیرقابل دسترس است. علیرغم رشد جمعیت فلسطینی‌ها نزدیک به ۲۰ درصد از کل جمعیت اسرائیل، کمتر از ۳ درصد از زمین‌های دولتی تحت صلاحیت دولت محلی فلسطین قرار دارد در حالی که تراکم جوامع فلسطینی ۱۱ برابر شده است. بنابراین، این سیاست‌های بلندمدت منجر به تبعیض سیستماتیک فضایی/جغرافیایی شده است، جایی که ۹۰ درصد فلسطینی‌ها در مناطق کاملاً جدا شده زندگی می‌کنند. این محلات با ازدحام بیش از حد، فقدان برنامه‌ریزی اصلی، فقیر شدن، نرخ بالاتر جرم و جنایت و کاهش امید به زندگی شناخته می‌شوند (Tanous et al., 2023: 6).

همچنین، بسیاری از مصوبات پارلمان رژیم صهیونیستی تصریح می‌کند که؛ «دولت، توسعه شهرک‌های یهودی‌نشین را به عنوان یک ارزش ملی می‌بیند و باید برای تشویق و ترویج استقرار آن اقدام کند» (Knesset, 2018). در این زمینه، می‌توان به لایحه پیشنهادی ۴ ژوئن ۲۰۲۳ کابینه نتانیا هو اشاره کرد. دولت اسرائیل این لایحه را برای گسترش کمیته‌های پذیرش تبعیض‌آمیز خود تصویب کرد که متقاضیان فلسطینی عرب و سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده را از توسعه مسکن جدید حذف می‌کند. در واقع این طرح برای گسترش قابلیت اعمال قانون کمیته‌های پذیرش در شهرهای محلی تا ۱۰۰۰ خانوار و جوامع واقع در مناطق دیگر دانست که از این طریق بتواند شهرک‌سازی در کرانه باختری را گسترش دهد.

در حوزه بهداشت و سلامت نیز نژادپرستی ساختاری دولت اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها به طرز قابل ملاحظه‌ای مشهود است. از آنجا که نژادپرستی ساختاری به ناچار پیامدهای سلامتی دارد، نابرابری‌های بهداشتی فلسطین از الگوی مشابهی با سایر جمعیت‌های بومی در کشورهای استعماری مهاجر تبعیت می‌کند. برای نمونه؛ بیش از ۹۰ درصد فلسطینی‌ها در شهرهای کاملاً جدا شده و دور از هم با سطوح بالایی از اضطراب و پایین‌ترین سطح امید به زندگی زندگی می‌کنند. افزون بر این، ۹ شهر از ۱۰ شهر با بالاترین نرخ کلی مرگ و میر در اسرائیل و هر ۱۰ شهر با بالاترین میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی، شهرهایی هستند که به طور کامل فلسطینی‌ها سکونت دارند (Tanous et al., 2023, 6). نرخ مرگ و میر نوزادان فلسطینی‌ها به طور کلی ۲.۵۶ برابر بیشتر است، همچنین فلسطینی‌ها در مقایسه با یهودیان اسرائیلی دارای نرخ بسیار بالاتری از ناامنی غذایی هستند (۴۲،۴ درصد در فلسطین در مقایسه با ۱۱،۱ درصد در میان یهودیان اسرائیل (Andelbad & et.al, 2020)).

نظام آموزشی حوزه دیگری است که نژادپرستی هم در ساختار و هم در محتوا مشهود است. مدارس فلسطینی و یهودی تا حد زیادی از هم جدا هستند. مدارس فلسطینی‌ها خدمات می‌دهند به طور قابل توجهی دچار کمبود بودجه و کارکنان هستند این امر منجر به کاهش تحصیلات و نرخ بالای ترک تحصیل می‌شود. افزون بر جداسازی فضاهای آموزشی و تامین

مالی کم، آموزش عمومی در اسرائیل ابزاری کلیدی برای ایجاد و حفظ «هژمونی آموزشی استعماری» است (Abu-saad, 2018, 96-116). در این راستا، مطالعه پژوهشگرانی چون؛ آوید بشارا^۱ و همکارانش نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی با تاکید بر قانون دولت - ملت یهود به مفهوم سازی «آموزش استعماری» پرداخته و زبان عربی را با هدف ملی‌زدایی و به‌ویژه فلسطین‌زدایی دانش‌آموزان عرب از نظام آموزشی جدا کرده است. این قانون، برنامه درسی روایت صهیونیستی را ترویج کرده و بر هویت ملی یهودی تاکید می‌کند در حالی که روایت فلسطینی را خاموش و تاریخ بومی عرب فلسطین را انکار می‌کند. این رویکرد، نه تنها در درس جغرافیا و تاریخ بلکه در وضعیت زبان عربی نیز مشهود است، چرا که دولت اسرائیل زبان عبری را تنها زبان رسمی کشور اعلام کرده است (Awayed-Beshara et al., 2022, 1051-1072).

نکته قابل تامل این که، اگرچه قدمت قوانین تبعیض‌آمیز اسرائیل علیه فلسطینی‌ها به سال ۱۹۳۹ بازمی‌گردد، اما بیش از نیمی از قوانین مذکور از سال ۲۰۰۰ م به ویژه از سال ۲۰۰۹ م از زمان روی کار آمدن راست‌گراترین کابینه ائتلافی به رهبری «نتانیاها» به تصویب رسیده‌اند، این قوانین تبعیض‌آمیز به نقض حقوق برای فلسطینی‌ها منجر شده‌اند. برای نمونه؛ «از دسامبر ۲۰۲۲، رژیم صهیونیستی لفاظی‌های نژادپرستانه طولانی مدت و نقض سیستماتیک علیه فلسطینی‌ها را تشدید کرده است. این کشور لایحه‌ای را ارائه کرده است که مجازات اعدام را برای «تروریست‌ها» در نظر می‌گیرد، واژه‌ای که دولت تقریباً به طور انحصاری برای اشاره به فلسطینی‌ها از آن استفاده می‌کند. همچنین دولت در حال ارائه پیشنهادی برای ایجاد یک «گارد ملی» - سازمان شبه نظامی داوطلب با قدرت اعمال زور علیه غیرنظامیان است و برنامه‌های خود را برای الحاق بیشتر کرانه باختری اشغالی، برخلاف قوانین بین‌المللی، افزایش می‌دهد» (Reliefweb, 2023).

تا اینجا برخی از مهمترین بنیان‌های حقوقی/قانونی تبعیض‌آمیز مبتنی بر وضعیت اضطراری/ وضعیت استثنا که از بدو تاسیس از سوی رژیم اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی حاکم شده است به اختصار توضیح داده شد در ادامه مهمترین مؤلفه‌های عینی رویکرد تاناتوپلیتیک رژیم صهیونیستی که طی چند ماه اخیر توسط ارتش این کشور در قبال جنبش اسلامی حماس و مردم غزه به اجرا گذاشته شده است را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳- راهبردها و مؤلفه‌های عمده رویکرد «تاناتوپلیتیک» رژیم صهیونیستی در بحران غزه

چنانکه پیشتر اشاره شد، منطقه ساحلی غزه، پس از حملات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مرگ‌بارترین روزهای دوران محاصره ۱۵ ساله را تجربه می‌کند، چراکه رژیم صهیونیستی دور جدیدی از سیاست تاناتوپلیتیک را در این منطقه آغاز کرده است. در ادامه مهمترین تاکتیک‌های این رویکرد در قالب دیگری سازی (غیرانسانی سازی، حیوانی سازی) و امنیتی سازی فضا، مکان و هویت، که

1. Avid Bshara

موجب شده است مردم غزه به مثابه «هوموساکرهای» در شرایط «حیات برهنه» یا «هستی سیاسی شده» قرار گیرند که مستوجب و مستحق هر گونه رفتار و کنش غیرانسانی و غیراخلاقی از جمله مرگ و نابودی از سوی نیروهای رژیم صهیونیستی هستند، توضیح خواهیم داد.

۳-۱. راهبرد دیگری سازی

۳-۱-۱. غیر انسانی سازی

به تعبیر فانون^۱ (نویسنده و متفکر فرانسوی افریقایی تبار)، غیر انسانی سازی^۲، یکی از مکانیسم‌های اصلی استعمار است که همواره در پی تنظیم و کنترل ذهن و بدن استعمار شدگان بوده و در نهایت حتی نسل‌کشی را مشروعیت می‌بخشد (Fanon, 1961, 14-15). در واقع رژیم صهیونیستی با استفاده از این تاکتیک استعماری در پی آن است که جمعیت‌های خاصی را کمتر و فروتر از انسان‌ها تولید کرده و آنها را مستعد اشکال مختلف خشونت سازد. به نظر می‌رسد که این مکانیسم‌های غیر انسانی سازی نه تنها سرکوب سیستماتیک و کشتار فلسطینی‌ها، بلکه معلول کردن اجساد آنها را نیز توجیه و عادی می‌کند. چنانچه جاسبیر پوار^۳ (۲۰۱۷) نظریه پرداز آمریکایی استدلال دارد که معلولیت را می‌توان به عنوان یک تاکتیک نظامی سیستماتیک با هدف تضعیف و ناتوان کردن جمعیت فلسطین برای ممانعت از مقاومت در برابر حکومت استعماری و اشغال شهرک نشینان درک کرد. (Puar, 2017; Lentin, 2018, 88).

وانگهی، این تاکتیک، امکان به تعویق انداختن مرگ فلسطینی‌ها و تعلیق زندگی قربانیان بین دو مرگ بیولوژیکی و نمادین را فراهم می‌آورد. در این موارد، فلسطینی‌ها در موقعیت استعماری مردگان یا «مرده‌های زنده» بوده و نیز مجبور به «مرگ دوم» هستند. در راستای این سیاست و تاکتیک همانطور که اسلاوی ژیزک^۴ آن را در قالب سینمایی «مردگان زنده» تحلیل می‌کند؛ فلسطینی‌ها از جوهر نمادین خود حذف می‌شوند و در نظام تئولیرال هژمونیک بازنمایی‌های نمادین به بُعد شرم آور دال تکان‌دهنده غیرطبیعی تقلیل می‌یابند. در نتیجه، این فلسطینی‌های مرده، تمام ظواهر و ویژگی‌های موجودیت انسانی سابق خود را حفظ می‌کنند، اما در عین حال از جوهر انسانی خود محروم هستند. مصداق بارز این وضعیت را می‌توان در اعدام‌های غیرقانونی و قربانیانی مانند؛ هدیل الحشلمون^۵، فرح بکر^۶، شروق دویات^۷ و احمد مناصرح^۸ دید که اغب توسط ماموران، شهرک نشینان و اوباش اسرائیلی در نقطه‌ای خلوت یا در تماس مستقیم تیراندازی

1. Frantz Fanon
2. Dehumanization
3. Jasbir Puar
4. Slavoj zizek
5. Hadil al-Hashmon
6. Farah Bakr
7. Shorouq Daviat
8. Ahmed Manasera

اتفاق می‌افتد به طوری که افراد برای مدتی به حالت خونریزی رها می‌شوند و نه تنها بین مرگ و زندگی، بلکه بین دو مرگ معلق می‌مانند و در نهایت با طولانی کردن عذاب فرد در حال مرگ و محروم کردن آنها از حقوق اولیه انسانی آنها بر اساس قوانین بین‌المللی، زمینه را برای کشتن مکرر آنها فراهم می‌کند. (Khader, 2015).

۳-۱-۲. تاکتیک حیوانی‌سازی

حیوانی‌سازی^۱ را نیز می‌بایست یکی دیگر از استراتژی استعماری و سیستماتیک رژیم صهیونیستی دانست که از آن برای توجیه کشتار گسترده غیرنظامیان در غزه به کار می‌گیرد. اسرائیل مدت‌هاست که از تکنیک‌های غیرانسانی استفاده می‌کند و فلسطینی‌ها را با اصطلاحاتی شبیه حیوانات به تصویر می‌کشد. همانطور که غنیم تأکید می‌کند؛ به تصویر کشیدن فلسطینیان به صورت مادون انسان، نیمه وحشی و حیوان‌گونه، جنبه‌ای حیاتی از ایدئولوژی و گفتمان سیاسی صهیونیستی است. به جای اینکه صرفاً یک ابزار بلاغی باشد، حیوان‌سازی را می‌توان به عنوان استراتژی استعماری سیستماتیک رژیم صهیونیستی درک کرد که نه تنها جنگجویان و گروه‌های شبه نظامی، بلکه غیرنظامیان فلسطینی را نیز شامل می‌شود. (Ghanim, 2018, 73)

بنابراین، سران رژیم صهیونیستی از این تاکتیک پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر استفاده کرده‌اند تا بدین وسیله شرایطی را فراهم سازد تا به نسل‌کشی فلسطینی‌ها مشروعیت بخشند، چرا که رژیم صهیونیستی آشکارا هدف خود را از بین بردن حضور فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری بیان می‌کند. برای نمونه؛ اسحاق هرتزوگ^۲، رئیس جمهور رژیم صهیونیستی در ۱۲ اکتبر در یک کنفرانس مطبوعاتی با رسانه‌های خارجی در رابطه با فلسطینی‌های غزه که بیش از یک میلیون نفر از آنها کودک هستند، ضمن تأکید بر «غیرانسان بودن حماس و همچنین مردم غیر نظامی»، تصریح کرد؛ اسرائیل بین شبه‌نظامیان و غیرنظامیان در غزه تمایز قائل نمی‌شود. او گفت: «کل ملت فلسطین، مسئول است. این حرف‌ها در مورد غیرنظامیانی که آگاه نیستند و در حمله حماس دخالت ندارند درست نیست. مطلقاً درست نیست و ما تا زمانی که ستون فقرات آنها را نشکنیم، مبارزه خواهیم کرد. ایتامار بن‌گویر^۳، وزیر امنیت ملی رژیم صهیونیستی در ۱۰ نوامبر در یک سخنرانی تلویزیونی موضع دولت اسرائیل را روشن کرد و گفت: «بهرتر است بدانید وقتی می‌گوییم حماس باید نابود شود به معنای کسانی است که حمله حماس را جشن می‌گیرند از آن حمایت می‌کنند و کسانی که شیرینی پخش می‌کنند نیز باید نابود شوند. همه آنها تروریست هستند و باید نابود گردند». همچنین اسرائیل کاتز^۴، وزیر انرژی و زیرساخت رژیم صهیونیستی در ۱۳ اکتبر در توییتی اعلام کرد: «ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه تا زمانی که اسرای

1. Animalization
2. Isaac Herzog
3. Itamar Benguir
4. Israel Katz

اسرائیلی به خانه بازنگردند، هیچ کلید برقی در غزه روشن، هیچ شیر آبی باز و هیچ کامیون سوختی وارد غزه نمی‌شود. «انسان‌دوستی» برای «انسان‌ها» است و هیچ‌کس حق ندارد ما را موعظه اخلاقی کند(فرارو، ۲۳ دی ۱۴۰۲).

در این راستا یوآو گالانت^۱، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در ۹ اکتبر ۲۰۲۳، که در اعلامیه جنگ خود از فلسطینی‌ها را «حیوانات انسان‌نما» خطاب می‌کند. علاوه بر این پرسنل نظامی، نیروهای ذخیره، یا نمایندگان رژیم صهیونیستی، مبارزان حماس را «حیوانات تشنه به خون»، «حیوانات وحشتناک، غیرانسانی» و «موش» خوانده‌اند. در واقع به تصویر کشیدن جنگجویان حماس به عنوان حیوانات را می‌توان به عنوان یک تاکتیک نظامی تلقی کرد که نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی (IDF) از آن برای دوگانه‌سازی خودی/ دشمن، مشروعیت بخشیدن به حق «دفاع از خود» و منطقی جلوه دادن کشتار مبارزان فلسطینی استفاده می‌کنند (Halil İbrahim, 2023).

فلسطینیان علاوه بر برچسب «انسان‌نما» به عنوان «حیواناتی که دیگر حق زندگی ندارند» و «مار» و همچنین «کرم‌های زیرزمین، بالای زمین و از هر جهت» تحقیر می‌شوند (Halil İbrahim, 2018, 7). در واقع حیوان‌سازی همچنین با پاکسازی لفاظی کشور اسرائیل از هرگونه تجاوز یا خشونت عمل کرده و اسرائیل به عنوان یک قربانی بی‌گناه نشان می‌دهد که فقط ادعای حق دفاع از خود را دارد در حالی که فلسطینی‌ها چیزی جز مهاجمان خشن و تهدیدی همیشگی تلقی نمی‌شوند (باتلر ۲۰۱۲). بر همین اساس، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳ در یک سخنرانی رسمی در کنست از وضعیت کنونی به عنوان «مبارزه بین فرزندان نور و فرزندان تاریکی و مبارزه بین انسانیت و قانون جنگل» توصیف کرد. او در مقاطع مختلف همین استدلال را مطرح کرده است برای نمونه؛ در ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳، هنگامی که نیروهای رژیم صهیونیستی برای تهاجم زمینی خود به غزه آماده می‌شدند، نخست‌وزیر اسرائیل به داستان کتاب مقدس در مورد نابودی کامل عمالیک توسط اسرائیلی‌ها استناد کرد و گفت: «باید به یاد داشته باشید که عمالیک خونخوار با شما چه کرده‌اند. کتاب مقدس در این خصوص سخن گفته و ما این داستان را به یاد داریم». در اینجا، عبارت «مثل حیوانات» به این تصور هنجاری و تاریخی اشاره دارد که حیوانات غیرانسانی نسبت به انسان‌ها پست‌تر هستند و آنها را در معرض انواع خشونت قرار می‌دهد (فرارو، ۲۴ دی ۱۴۰۲). بنابراین، برچسب زدن به فلسطینیان - یا هر گروه حیوانی و نژادی شده دیگری به عنوان حیوان، وسیله‌ای برای محروم کردن آنها از موقعیت اخلاقی و فضایل مرتبط با «انسانیت» است. (Högback et al, 2023)

1. Joao Gallant

(Matsuka & Sorenson, 2021, 115). پیش شرطی که نیاز درک شده برای مجازات مرگ بار آنها را توجیه می‌کند.

در مجموع؛ راهبردها و توجیحات گفتمانی / ایدئولوژیک فوق در عمل بستر و زمینه لازم را برای مشروعیت بخشی به سیاست مرگ و اجرایی کردن آن از سوی دولت و ارتش اسرائیل فراهم نموده است. در زیر به مهمترین مؤلفه‌ها و تاکتیک‌های این استراتژی که طی چندماه اخیر در غزه به اجرا درآمده است، اشاره خواهیم کرد:

۳-۱-۲-۱. فعال کردن ماشین کشتار

چنانکه در بالا اشاره شد، مکانیسم گفتمانی دیگری سازی، گام نخست برای امنیتی سازی حماس و مردم غزه و مشروعیت بخشیدن به رویکرد تاناتوپلیتیک رژیم صهیونیستی و در واقع اعمال خشونت آشکار علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی غزه است. در همین راستا، بر اساس گزارش مرکز نظارت حقوق بشر فلسطین، میزان و الحق، نیروهای اشغال‌گر صهیونیست^۱ و شهرک‌نشینان از ابتدای سال ۲۰۲۳ تا ۱۹ دسامبر، ۴۹۵ فلسطینی را در کرانه باختری به شهادت رساندند. همچنین از زمان حمله مسلحانه نیروهای حماس به رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و متعاقب آن تهاجم نظامی گسترده به غزه توسط نیروهای نظامی اسرائیل (IDF) بر اساس برآوردهای مختلف وزارت بهداشت غزه، تا ۲۹ مارس ۲۰۲۴ بیش از ۳۳۰۰۰ فلسطینی ساکن غزه، جان خود را از دست داده‌اند و ۷۵۰۹۲ نفر دیگر نیز مجروح شده‌اند. بیش از ۱۴۵۰۰ نفر از کشته شدگان و مجروحان کودکان بوده‌اند (Reliefweb.int, 2023).

بر اساس گزارش سازمان پرستاران بیمارستان کودکان^۲، این آمار به طور متوسط روزانه ۲۵۰،۸ مرگ و میر در غزه، و ۳۳۰ مورد در کرانه باختری بوده است. بر پایه گزارش سالی ابی خلیل مدیر خاورمیانه آکسفام؛ در حالی که تشدید خصومت‌ها به صدمین روز خود نزدیک می‌شود، ارتش رژیم صهیونیستی به طور متوسط روزانه ۲۵۰ نفر فلسطینی را می‌کشد که از تلفات روزانه هر درگیری بزرگ دیگری در سال‌های اخیر بیشتر است. با استفاده از داده‌های در دسترس عموم، آکسفام محاسبه کرد که تعداد متوسط کشته‌ها در روز برای غزه بیشتر از هر درگیری مسلحانه بزرگ اخیر از جمله سوریه (۹۶،۵ کشته در روز)، سودان (۵۱،۶ کشته)، عراق (۵۰،۸)، اوکراین (۴۳،۹) افغانستان (۲۳،۸) و یمن (۱۵،۸) است (Oxfam, 11th January 2024). همچنین، بر اساس گزارش سندیکای روزنامه‌نگاران فلسطینی در غزه، تا ۱۱ ژانویه، ۱۱۷ روزنامه‌نگار و کارمند رسانه‌های فلسطینی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ کشته شده‌اند، همچنین به گفته وزارت بهداشت در غزه، ۳۳۷ پزشک فلسطینی کشته شده‌اند. به گفته انجمن دفاع مدنی فلسطین، ۴۵ نفر از اعضای آنها کشته شده‌اند. بر اساس گزارش آنروا، دلبلیو اچ او، و یوان دی پی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون؛

1. Israeli Occupying Forces (IOF)

2. UNOCH

۱۴۶ کارمند آنروا^۱ (آژانس امدادرسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی)، یک کارمند WHO و یک کارمند UNDP جان خود را از دست داده‌اند (Reliefweb.int, 15 Jan 2024).

نکته مهمی که در راستای تاکتیک غیرانسانی سازی در قبال افراد زخمی و جراحت دیده می‌توان اشاره نمود این است که در میان فلسطینی‌های کشته شده کسانی بودند که امکان امدادرسانی و درمان به موقع و جلوگیری از مرگ آنها وجود داشته است. برای نمونه به کسانی که پس از تحمل زخم‌ها دچار خونریزی می‌شوند و یا افرادی که در آمبولانس‌هایی که در مسیر بیمارستان‌ها متوقف شده یا مانع شده‌اند می‌توان اشاره نمود. برای نمونه، نیروی نظامی رژیم صهیونیستی در جریان حمله نظامی ۶۰ ساعته خود به جنین که از ۱۲ دسامبر آغاز شد، بیمارستان دولتی جنین را نیز محاصره کرد و به‌طور پراکنده در مجاورت بیمارستان ابن سینا حضور داشت و باعث تأخیر در ورود بسیاری از فلسطینی‌های مجروح به بیمارستان‌ها شد به گفته امدادگران و شاهدان عینی، نیروی زمینی در ادامه به بهانه بررسی هویت مجروحان، آمبولانس‌ها را متوقف و مورد تفتیش قرار داد.

۳-۱-۲-۲. بازداشت و زندانی کردن

بازداشت اداری رویه به ارث مانده از دوران قیمومیت انگلیس بر فلسطین است که براساس آن حبس زندانیان به‌طور نامحدود به دلیل آنچه شواهد محرمانه خوانده می‌شود، تمدید می‌شود؛ این بدان معناست که ممکن است یک زندانی ماه‌ها بدون اتهام در زندان حبس شود. در حالی که عمدتاً از آمریکا به‌عنوان کشوری با بیشترین جمعیت زندانی در جهان نام برده می‌شود و تأکید می‌شود که در این کشور از هر ۲۰۰ نفر یک نفر زندانی هستند، آمار مربوط به اسرای فلسطینی در زندان‌های رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که از هر ۱۰ مرد فلسطینی، چهار نفر در زندان‌های این رژیم در اسارت هستند. گروه حقوق زندانیان فلسطینی «آدامیر^۲»، سیستم زندان‌های رژیم صهیونیستی را مجموعه‌ای از ماشین‌های هیولایی در شکل، قوانین، رویه‌ها و سیاست‌ها... توصیف می‌کند که برای کشتن و متلاشی کردن اسرای فلسطینی طراحی شده است (خبرگزاری میزان، ۱۷ مهر ۱۴۰۲).

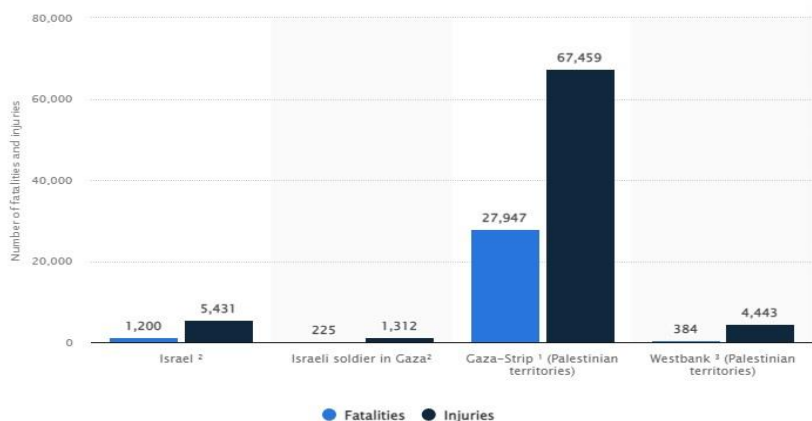
در حال حاضر تعداد فلسطینی‌های پشت میله‌های زندان‌های رژیم صهیونیستی ۵ هزار و ۲۰۰ نفر اعلام شده است؛ ۳۳ نفر از این اسرا زن و ۱۷۰ نفر کودک هستند. سازمان ملل سال گذشته در گزارشی درباره شمار فلسطینی‌هایی بخشی از عمر خود را در زندان‌های رژیم صهیونیستی گذرانده‌اند، اعلام کرد که از سال ۱۹۶۷ تاکنون، زمانی که رژیم صهیونیستی قدس شرقی، نوار غزه و کرانه باختری را اشغال کرد، حدود یک میلیون فلسطینی را دستگیر کرده است. در عین حال در چارچوب هزار و ۶۰۰ دستور نظامی رژیم صهیونیستی که همه جنبه‌های زندگی

1.Unrwa
2.Adamir

فلسطینی‌ها در مناطق تحت اشغال نظامی آمریکا را کنترل می‌کند از هر پنج فلسطینی یک نفر دستگیر شده است؛ آمار زندانیان برای مردان فلسطینی تقریباً ۲ برابر است؛ یعنی از پنج مرد فلسطینی، ۲ نفر دستگیر شده‌اند. رژیم صهیونیستی اسرای فلسطینی را در ۱۹ زندان در اراضی اشغالی و یک زندان در کرانه باختری اشغالی جای داده است؛ در حال حاضر از ۵ هزار و ۲۰۰ اسیر فلسطینی، هزار و ۲۶۴ نفر در بازداشت اداری هستند (خبرگزاری میزان، ۱۷ مهر ۱۴۰۲).

تاکتیک بازداشت خود سرانه و زندانی کردن فلسطینیان توسط ارتش و نیروهای امنیتی اسرائیل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در کرانه باختری و غزه تشدید شده است. بین ۷ اکتبر و ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳، نیروهای اشغالگر اسرائیل، بیش از ۴۵۰۰ فلسطینی از جمله کودکان، زنان و روزنامه نگاران را دستگیر کرد. قابل ذکر است که از میان افرادی که دستگیر شده‌اند و همچنان در بازداشت هستند، تقریباً نیمی از آنها بدون اتهام یا محاکمه تحت بازداشت اداری هستند. این دستگیری‌های دسته جمعی فراتر از اقدامات انتقام‌جویانه، ممکن است اقدامی حساب شده برای استفاده از بازداشت شدگان به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات سیاسی بعدی باشد. نیروهای اشغالگر اسرائیل، زندانیان و خانواده‌های آنها را در جریان دستگیری‌ها در معرض رفتار غیرانسانی و تهاجمی قرار داده است و در بسیاری از موارد، بازداشت شدگان را در حین دستگیری مورد ضرب و شتم قرار داد به خانواده‌های آنها حمله کرد و به خانه‌های آنها آسیب رساند و آنها ویران کرد (ن. ک نمودار (۲)، (Mezan.org, 21 December 2023)).

نمودار (۲). شمار کشته شدگان و مجروحان فلسطینی و همچنین سربازان اسرائیلی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳



۳-۲. امنیت‌سازی فضا، مکان و هویت

۳-۲-۱. امنیت‌سازی فضای زیست روزمره

یکی دیگر از تاکتیک‌های رژیم صهیونیستی در قبال حماس و مردم غزه، امنیت‌سازی و محروم‌سازی آنها از زیرساخت‌ها و امکانات مربوط به شرایط زیست روزمره است. محدود و محصور کردن مردم غزه و محروم کردن آنها از امکانات و مایحتاج اولیه زندگی موجب شده است که طی چندماه اخیر غزه با «بحران انسانی» وخامت‌باری روبرو شود. به تعبیر آگامبن می‌توان گفت فروکاستن شرایط زندگی عادی ساکنین غزه به فضای «اردوگاهی» یا «حیات برهنه» یکی از تاکتیک‌های اساسی رژیم صهیونیستی برای نابودی تدریجی مردم فلسطین، پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بوده است. اردوگاه، تجسم ناب‌ترین شکل «وضعیت استثنایی» و آوارگی همچنان عام‌ترین و عینی‌ترین تجربه مردم فلسطین است. به گفته یکی از نویسندگان فلسطینی؛ «ما فلسطینی‌ها» همیشه در سطحی «ما پناهندگان» هستیم، بلکه همه فلسطینی‌ها به عنوان سوژه‌های آواره به هر طریقی «اردو» زده‌اند. این افراد عموماً در اسرائیل به عنوان شهروند زندگی می‌کنند، اما نه به عنوان اتباع دولت یهودی، بسیاری از آنها از نظر قانونی «به رسمیت شناخته نشده‌اند» از زیرساخت‌های اولیه محروم هستند و تحت اشغال نظامی طولانی مدت در شهرها و روستاهای محصور کرانه باختری یا نوار غزه کاملاً محاصره شده‌اند، یا کسانی که بدون تابعیت یا به عنوان شهروندان درجه دوم در تبعید دائمی در مناطق حاشیه‌ای شهرها و روستاها زندگی می‌کنند (Khalili, 2008: 101-102).

گرچه غزه از سال ۲۰۰۵م توسط رژیم صهیونیستی و مصر تحت محاصره نسبی قرار گرفته و چندین گذرگاه مرزی از غزه در امتداد مرز اسرائیل و مصر وجود داشته است، اما پس از ۹ اکتبر ۲۰۲۳ به نظر می‌رسد غزه برای نخستین بار در محاصره کامل ارتش رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. بطوری که این جریان به شکل گسترده توسط رسانه‌ها و سیاستمداران مورد استفاده قرار گرفت و سازمان دیده‌بان حقوق بشر این نوار را «زندان در فضای باز» نامیده است. محاصره همه‌جانبه غزه در ۹ اکتبر ۲۰۲۳ موجب محرومیت ساکنان غزه از آب، غذا، برق، سوخت و دارو شده است. در این راستا یوآو گالانت، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی نیز در ۹ اکتبر در گزارشی که درباره وضعیت عملیات ارتش ارائه کرد، خاطر نشان ساخت: «ارتش اسرائیل در حال محاصره کامل غزه است، نه برق، نه غذا، نه آب، نه سوخت، همه چیز قطع می‌شود. ما در حال مبارزه با «حیوانات انسان‌نما» هستیم و بر همین اساس عمل می‌کنیم». او همچنین به نیروهای مستقر در مرز غزه اطلاع داد، هیچ محدودیت عملی ندارند. او گفت: «غزه به آنچه قبلاً بود باز نخواهد گشت. ما همه چیز را از بین خواهیم برد. اگر این عملیات در یک روز تمام نشود، هفته‌ها یا حتی ماه‌ها طول بکشد، ما سراغ همه خواهیم رفت.» وی همچنین اعلام کرد، اسرائیل در پی اجرایی

کردن یک «پاسخ کامل» است و او «هر محدودیتی» را برای نیروهای اسرائیلی برداشته است (فرارو، ۲۳ دی ۱۴۰۲).

درگیری رژییم صهیونیستی با حماس پیامدهای عمیقی برای زیرساخت‌های غیرنظامی در غزه در پی داشته است. بطوری که سازمان ملل تخمین می‌زند که ۷۰۰۰۰ واحد مسکونی ویران شده و ۲۹۰۰۰۰ واحد آسیب دیده است. در واقع بیش از ۷۰ درصد کل منازل مسکونی و ۱,۷ میلیون نفر آواره شده‌اند که حدود ۷۵ درصد از کل جمعیت نوار غزه با حدود ۲,۳ میلیون نفر است. بسیاری از این افراد چندین بار آواره شده‌اند، زیرا خانواده‌ها مجبور شده‌اند بارها و بارها در جستجوی امنیت جابجا شوند. گزارش سازمان ملل بر «کوچک شدن فضا برای پناه دادن» اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که این منطقه قبل از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ محل سکونت ۱,۳۸ میلیون فلسطینی بوده است و متعاقباً شامل ۱۶۱ پناهگاه است که میزبان حدود ۷۵۰,۷۰۰ نفر از آوارگان داخلی بوده است. ارتش اسرائیل همچنین در روزهای اخیر عملیات بیشتری را در اطراف مرکز جمعیتی جنوبی رفح آغاز کرده است (Humanitarian-In-situation-in-gaza, 5 February, 2024). با توجه به اینکه طبق گزارش‌ها، بیش از ۷۰ درصد از منازل مسکونی غزه آسیب دیده یا ویران شده است، بسیاری از آنها آوارگی طولانی‌مدت را تجربه خواهند کرد که این امر بر اهمیت حقوق فلسطینی‌ها - که اکثر آنها قبلاً پناهنده هستند - برای بازگشت به خانه‌های خود تأکید می‌کند. کودکان احتمالاً سال‌های تحصیل را از دست می‌دهند، مدارس آسیب دیده و کارکنان کشته یا آواره می‌شوند در حالی که برای رسیدگی به سطوح بالای استرس و آسیب‌های روانی نیازمند حمایت‌های جدی و پایدار در زمینه بهداشت روانی هستند.

افزون بر سکونت‌گاه‌ها و منازل مسکونی در سراسر غزه، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها نیز آسیب دیده و ویران شده‌اند. بر اساس داده‌های پایگاه نامانی جهانی (Insecurity Insight) که داده‌های مرتبط با افراد در خطر را رصد می‌کند؛ تقریباً ۶۰۰ مورد خشونت علیه مراقبت‌های بهداشتی یا ممانعت از دسترسی به خدمات بهداشتی در غزه را از زمان شیوع خشونت در ماه اکتبر ثبت کرده است. موانع و محدودیت‌های ایجاد شده از سوی اسرائیل برای اجازه ورود سوخت به غزه، بیمارستان‌هایی را که باقی مانده‌اند به‌ویژه در شمال، ناتوان کرده است. در همین حال، بسته شدن مداوم مرزها از سفر بیماران به اسرائیل، کرانه باختری یا بیت المقدس شرقی برای درمان جلوگیری می‌کند. افزون بر این، کمبود سوخت برای نمک‌زدایی آب باعث شده ۹۵ درصد از جمعیت غزه به آب سالم دسترسی نداشته باشند و خطر ابتلا به بیماری‌هایی مانند وبا را افزایش دهد. تجزیه و تحلیل امنیت غذایی طبقه‌بندی مرحله امنیت غذایی یکپارچه (IPC) نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد جمعیت غزه در معرض خطر قریب الوقوع قحطی قرار دارند و این امر نیازهای پزشکی را بیشتر می‌کند (Crisis in Palestine, December 15, 2023).

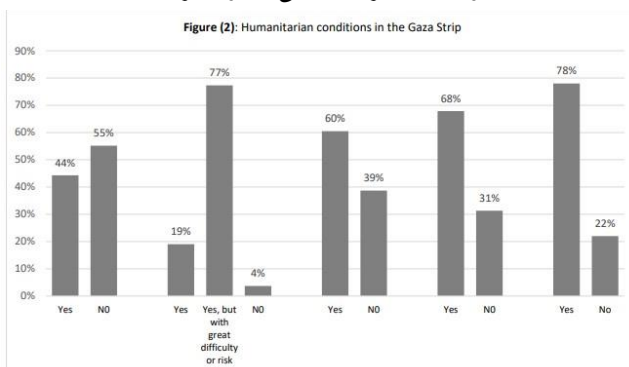
طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، ۱۵ بیمارستان از ۳۶ بیمارستان غزه تا حدی فعال هستند، نه ساختمان در جنوب و شش ساختمان در شمال در دیرالبلاخ و خان یونس، سه بیمارستان الاقصی، ناصر و غزه به دلیل صدور دستور تخلیه در مناطق مجاور و ادامه عملیات خصمانه در اطراف در خطر بسته شدن هستند. بیمارستان‌های شمال، خدمات محدودی برای زایمان، تروما و مراقبت‌های اورژانسی ارائه می‌دهند. با این حال، آنها با چالش‌هایی مانند کمبود کادر پزشکی از جمله جراحان متخصص، جراحان مغز و اعصاب و کادر مراقبت‌های ویژه و همچنین کمبود تجهیزات پزشکی مواجه هستند و نیاز فوری به سوخت، غذا و آب آشامیدنی دارند. ۹ بیمارستان نیمه کاربردی در جنوب با سه برابر ظرفیت خود کار می‌کنند در حالی که با کمبود شدید منابع اولیه و سوخت مواجه هستند. به گفته وزارت بهداشت غزه، نرخ اشغال در بخش‌های بستری به ۲۰۶ درصد و در حالی که بیماران با قطع عضوهای قابل اجتناب به دلیل تخریب سیستم بهداشتی مواجه می‌شوند، کسانی که بیماری‌های مزمن جدی دارند به دلیل عدم مراقبت در حال مرگ هستند. مردم غزه در جهنم زندگی می‌کنند. هیچ جا امن نیست و لازم است تمام اقدامات ممکن برای پایان دادن به خشونت انجام شود تا از مرگ و جراحت بیهوده بیشتر جلوگیری شود (Reliefweb.int, 15 Jan 2024).

از سوی دیگر، کمبود مواد غذایی در غزه قابل توجه است. همه کودکان زیر پنج سال (۳۳۵۰۰۰) در معرض خطر بالای سوء تغذیه شدید قرار دارند، زیرا خطر شرایط قحطی همچنان در حال افزایش است، برای نمونه؛ قبل از جنگ اخیر، ۰٫۸ درصد از کودکان زیر ۵ سال دچار سوء تغذیه حاد بودند. اما بعد از جنگ در استان‌های شمالی این رقم بین ۱۲٫۴ تا ۱۶٫۵ درصد افزایش یافته است. یک نسل کامل در حال حاضر در معرض خطر کوتاه قدی قرار دارند. طبق طبقه‌بندی مرحله یکپارچه امنیت غذایی (IPC) بیش از ۲ میلیون نفر در معرض خطر قریب الوقوع قحطی هستند. از این تعداد، حدود ۳۷۸۰۰۰ نفر در فاز ۵ (سطح فاجعه‌بار، اشاره به کمبود شدید غذا، گرسنگی، و فرسودگی ظرفیت‌های مقابله‌ای) و ۹۳۹۰۰۰ نفر در فاز ۴ (سطح اضطراری) قرار دارند. مقامات حقوق بشر سازمان ملل به خطرات برای گروه‌های جمعیتی خاص در غزه اشاره کرده‌اند: در حال حاضر تک تک مردم غزه گرسنه هستند و برای یافتن غذا و آب آشامیدنی تلاش می‌کنند و قحطی قریب الوقوع است. زنان باردار از تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی کافی برخوردار نیستند و این امر زندگی آنها را به خطر می‌اندازد. با ادامه بدتر شدن شرایط از جمله کمبود آب تمیز و تاسیسات ناکافی فاضلاب، بیماری در غزه نیز در حال گسترش است. آنها همچنین خاطرنشان می‌کنند که انباشت زباله‌های جامد در خیابان‌ها، اطراف بیمارستان‌ها، پناهگاه‌های آوارگان، و مکان‌های مختلف یکی از نگرانی‌های اولویت‌دار است، زیرا «ده‌ها هزار تن زباله عمومی جمع‌آوری نشده خطرات بهداشت عمومی را تشدید می‌کند (Crisis in Palestine, December 15, 2023). آکسفام همچنین در مورد تهدید گسترده زندگی، فراتر از تلفات مستقیم، ناشی از گرسنگی و بیماری هشدار می‌دهد. شروع هوای سرد و مرطوب با کمبود پتو، نبود سوخت

وسایل گرمایشی و نبود آب گرم، وضعیت را بحرانی‌تر می‌کند. یکی از سازمان‌های شریک آکسفام، کمیته امداد کشاورزی فلسطین وضعیت کسانی که در چادرها زندگی می‌کنند را «بدتر از هر چیزی که تصور کنید» توصیف می‌کند، پناهگاه‌های موقتی که بر سر آنها باران می‌بارد، باد آنها را از جا می‌کند و مردم ناگزیر به اقداماتی مانند فروش مواد غذایی گرانبها یا منابع آب برای تهیه یک پتو متوسل شده‌اند (Oxfam, 11th January 2024).

ایجاد محدودیت‌های شدید دسترسی از سوی رژیم صهیونیستی و ایجاد موانع در ارسال کمک‌های بشردوستانه به مناطق جنگ زده غزه، یکی دیگر از جنبه‌های امنیتی‌سازی زیست روزمره و بقای مردم در شرایط بحرانی کنونی است. اسرائیل پس از ۷ اکتبر میزان کمک‌های وارد شده به غزه را به شدت محدود کرد. قبل از جنگ، روزانه ۵۰۰ کامیون کمک به غزه وارد می‌شد - با افزایش نیازها، افزایش عظیمی در کمک مورد نیاز خواهد بود، اما در واقع به مراتب کمتر از این کمک‌ها می‌رسد. ممانعت از دسترسی به مأموریت‌های بشردوستانه و محدودیت‌های شدید دسترسی توسط مقامات رژیم صهیونیستی از آغاز سال ۲۰۲۴ افزایش یافته است. از ۱۴ ژانویه، تنها ۲۴ درصد (۷ از ۲۹) مأموریت‌های برنامه‌ریزی شده برای تحویل غذا، دارو، آب و سایر لوازم نجات غریق با موفقیت به مقصد خود در شمال غزه رسیدند، جایی که برآورد می‌شود نیازهای بشردوستانه بالاترین و شدیدترین آنها باشد. این در مقایسه با دسامبر ۲۰۲۳ که بیش از ۷۰ درصد (۱۳ از ۱۸) مأموریت‌های برنامه‌ریزی شده به شمال با موفقیت انجام شد، نشان دهنده وخامت قابل توجهی است. با محدودتر شدن دسترسی به شمال غزه، ظرفیت عوامل بشردوستانه برای دسترسی به دیرالبلاح و خان یونس در مرکز و جنوب غزه نیز روز به روز کاهش می‌یابد. (ن.ک. نموار ۳)، (Reliefweb.int, 15 Jan 2024).

نمودار (۳)، شرایط انسانی در نوار غزه



Source: (PCPSR, 15 April 2024, 6)

1. PARC

۳-۲-۲. امنیت‌سازی هویت و مهاجرت اجباری

مهاجرت اجباری یک از ابزارهای امنیت‌سازی هویت و یکی از شیوه‌های عمدی و برنامه‌ریزی شده سرکوب سیاسی و پاکسازی قومی است. رژیم صهیونیستی همواره از بدو تاسیس و در راستای رویکرد تاناتوپلیتیک خود، مهار جغرافیایی جمعیت فلسطین را از طریق تاکتیک‌هایی مانند سلب مالکیت زمین، اعمال مقررات منع رفت‌وآمد، و محدودیت‌های تحرک از طریق استقرار رژیم‌های مجوز و پست‌های بازرسی، کوچاندن، جابجایی و مهاجرت اجباری در پیش گرفته است. در حال حاضر، «دوسوم فلسطینی‌ها در کمپ‌های آوارگان زندگی می‌کنند؛ هفت میلیون خارج از سرزمین اصلی فلسطین و حدود یک میلیون نفر در غزه، کرانه باختری، قدس شرقی و تعدادی نیز در داخل اسرائیل به عنوان اقلیت عرب ساکن هستند. این آوارگان اما از حق بازگشت به سرزمین اصلی خود محروم بوده و دولت اسرائیل این حق را به رسمیت نمی‌شناسد. رژیم صهیونیستی مدعی است که بازماندگان جمعیت رانده شده از فلسطین آوارگان «تخیلی» هستند و هیچ حقی برای بازگشت به فلسطین ندارند. بر این اساس باید عنوان کرد که رژیم صهیونیستی سیاست خود را بر انکار وضعیت آوارگی آن‌ها قرار داده و به دنبال خارج کردن فلسطینی‌ها از دایره شمول سازمان حمایت از آوارگان سازمان ملل و قطع بودجه حمایتی آن است. این سازمان از حدود ۵ میلیون آواره فلسطینی حمایت می‌کند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷).

بر اساس گزارش آژانس امداد رسانی سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا)، پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳، جهان شاهد بزرگترین آوارگی و جابه‌جاشدگی فلسطینی‌ها از سال ۱۹۴۸ بوده است. طبق گزارش آنروا، تا ۱۱ دسامبر ۲۰۲۳، نزدیک به ۱٫۹ میلیون فلسطینی در غزه یعنی تقریباً ۸ درصد از جمعیت آواره شده است. بعد از عملیات طوفان الاقصی، اسرائیل با ممنوعیت ارسال سوخت و کمک‌های بشردوستانه به بهانه مقابله با حماس، و در اصل با هدف اصلی کوچاندن فلسطینی‌ها از غزه اقدام کرد تا آنها به سبب مشکلات و فشارهای تحمیل شده شخصاً اقدام به خروج از سرزمین خود کنند و با گذشت زمان گفته شود فلسطینیان داوطلبانه غزه را ترک کردند.

رژیم صهیونیستی از آغاز دور جدید حملات اسرائیل علیه نوار غزه، به ۱٫۱ میلیون فلسطینی ساکن شمال نوار غزه در خصوص باقی ماندن در این منطقه هشدار داده و به آن‌ها توصیه می‌کند که به جنوب نوار غزه منتقل شوند. در این خصوص نیویورک تایمز در گزارشی اختصاصی از تلاش پشت پرده اسرائیل برای عملی کردن این عبارت پرده برداشته و می‌نویسد: اسرائیل در هفته‌های اخیر بی سروصدا تلاش کرده تا حمایت بین‌المللی برای انتقال چند صد هزار غیرنظامی از غزه به مصر را به دست آورد. رهبران و دیپلمات‌های اسرائیل به طور خصوصی این ایده را به چندین دولت خارجی پیشنهاد داده‌اند و آن را به عنوان یک ابتکار بشردوستانه معرفی کرده‌اند که

به غیرنظامیان اجازه می‌دهد تا به طور موقت از خطرات زندگی در غزه در سایه بمباران اسرائیل گریخته و به کمپ‌های پناهندگان در صحرای سینا درست در آن سوی مرز، پناه ببرند. بن‌گوریر وزیر امنیت ملی راست افراطی رژیم صهیونیستی و اسموتریچ^۱ وزیر دارایی اعلام کردند که از مهاجرت اجباری فلسطینیان در نوار غزه تحت عنوان «مهاجرت داوطلبانه» حمایت می‌کنند. عصاره سیاست غضب و اشغال گام به گام ۷۵ سال گذشته رژیم صهیونیستی را امروز می‌توان در ۹ هفته عملیات اسرائیل در غزه بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شبه‌نظامیان فلسطینی آشکارا مشاهده کرد؛ از کشتار و تخریب و کوچ اجباری فلسطینیان از شمال غزه به جنوب و نقاط دیگر و اعمال فشار برای اقناع دولت‌های مصر و اردن برای پذیرش آنها (دنیای اقتصاد، ۲۳ بهمن ۱۴۰۲).

آنچه رژیم صهیونیستی در حال حاضر در نوار غزه و کرانه باختری در حال سازماندهی است، پروژه استعماری شهرک نشینان صهیونیست است که در واقع، بیش از صد سال پیش آغاز شد و اکنون به پایان خود نزدیک شده است. با روی کار آمدن دولت نتانیاهو در سال ۲۰۲۲، پروژه شهرک سازی در کرانه باختری اشغالی توسط رژیم صهیونیستی به طرز چشمگیری توسعه یافت. افزایش حملات شهرک‌نشینان اسرائیلی موجب آواره شدن صدها فلسطینی، روی دادن تنش در اطراف اماکن مقدس اورشلیم، مسجدالاقصی، و در نهایت شعله‌ور شدن آتش خشونت میان شهرک نشینان و فلسطینی‌ها شد. نیروهای اشغال‌گر اسرائیلی به طور سیستماتیک نقش مهمی در تشویق خشونت شهرک‌نشینان علیه فلسطینی‌ها ایفا کرده‌اند (Associated Press, Oct. 08, 2023). برای نمونه؛ علاوه بر عدم پاسخگویی نسبت به جنایات شهرک نشینان اسرائیلی از جمله قتل و آتش سوزی، اخیراً آنها برای نگهداری سلاح‌های بیشتری توسط مقامات اشغالگر تقویت شده‌اند. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، بیش از ۲۶۰۰۰۰ درخواست برای صدور مجوز سلاح گرم ارائه شده است و از همین سلاح‌های گرم اغلب برای ارباب، سرقت، بیرون راندن آنها از زمین‌های خود و یا کشتن فلسطینی‌ها بدون مجازات استفاده می‌شود. (Mezan.org, 21 Dec 2023).

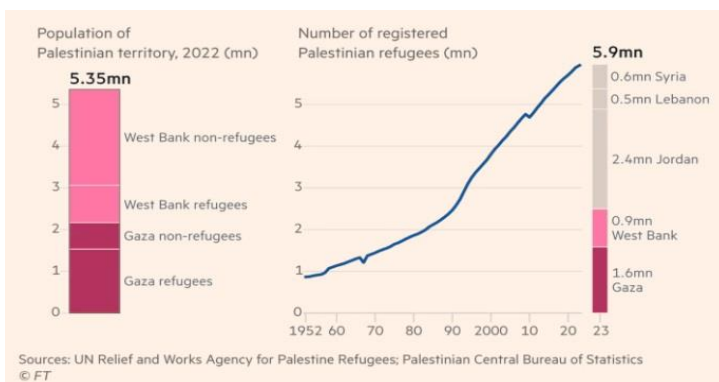
بر پایه گزارش ریالیف وب از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و تا ۱۴ ژانویه ۲۰۲۴، حداقل ۱۹۸ خانوار فلسطینی شامل ۱۲۰۸ نفر از جمله ۵۸۶ کودک در میان خشونت شهرک نشینان و محدودیت‌های دسترسی آواره شده‌اند. خانوارهای آواره از حداقل ۱۵ جامعه گله‌داری/بدوئی هستند. بیش از نیمی از جابجایی‌ها در ۱۲، ۱۵ و ۲۸ اکتبر رخ داده است که بر هفت جامعه تأثیر گذاشته است. تلفات آوارگی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ۷۸ درصد از کل آوارگی‌های گزارش شده به دلیل خشونت شهرک نشینان و محدودیت‌های دسترسی از ۱ ژانویه ۲۰۲۳ (۱۵۳۹ نفر از جمله ۷۵۶ کودک) را تشکیل می‌دهد. افزون بر این، رژیم صهیونیستی، حدود ۴۰۰۰۰۰ غیرنظامی را مجبور به مهاجرت از شمال غزه به جنوب کرده است. در مجموع ۴۵۳ فلسطینی از جمله ۲۲۷ کودک، بین ۷ اکتبر

1. Smotrich

۲۰۲۳ تا ۱۴ ژانویه ۲۰۲۴ در پی تخریب منازل خود به دلیل نداشتن مجوزهای ساختمانی صادر شده توسط اسرائیل در منطقه C و بیت المقدس شرقی آواره شده‌اند. ۶۰۲ فلسطینی از جمله ۲۶۳ کودک به دنبال تخریب ۹۴ خانه در جریان سایر عملیات‌های انجام شده توسط نیروهای اسرائیلی در سراسر کرانه باختری، آواره شده‌اند. حدود ۹۴ درصد از آوارگی‌ها در اردوگاه‌های پناهندگان جنین، و در نور شمس و تولکرم، هر دو در تولکرم گزارش شده است. این آمار نشان دهنده ۶۵ درصد از کل آوارگی گزارش شده به دلیل تخریب خانه‌ها در جریان عملیات نظامی اسرائیل از ژانویه ۲۰۲۳ (۹۰۸ نفر) است (Reliefweb.int, 15 Jan 2024).

در ۱۱ ژانویه، دستورات جدیدی برای تخلیه و جابجایی اجباری مردم ساکن در بخش‌هایی از منطقه المواسی و چندین بلوک در نزدیکی جاده صلاح الدین در جنوب غزه صادر شد که مساحتی حدود ۴,۶ کیلومتر مربع را پوشش می‌دهد. ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد که در حال آماده شدن برای عملیات در این منطقه است و به افراد آسیب دیده دستور داد تا به دیرالبلاح بروند. انتظار می‌رود بیش از ۱۸۰۰۰ نفر و ۹ سرپناه که تعداد نامعلومی از بیجاشدگان داخلی را در خود جای می‌دهند، تحت تأثیر آخرین دور دستورات نظامی قرار گیرند. بر اساس گزارش آنروا، تا ۸ ژانویه ۲۰۲۳، یک میلیون و نهصد هزار نفر یا نزدیک به ۸۵ درصد از کل جمعیت غزه در داخل کشور آواره شده‌اند. در مجموع ۱,۷۸ میلیون آوارگان داخلی از آنروا کمک دریافت می‌کنند. استان رفح پناهگاه اصلی آوارگان است و بیش از یک میلیون نفر به دنبال تشدید خصومت‌ها در خان یونس و دیرالبلاح و دستور تخلیه ارتش اسرائیل در فضایی بسیار شلوغ فشرده شده‌اند، بدست آوردن رقم دقیق از تعداد کل بیجاشدگان داخلی همچنان چالش‌برانگیز است (ن. ک نمودار ۲)، (Reliefweb.int, 15 Jan 2024).

نمودار(۴). آمار آوارگان فلسطینی ثبت نام شده توسط آنروا تا پس از درگیری ۷ اکتبر ۲۰۲۳

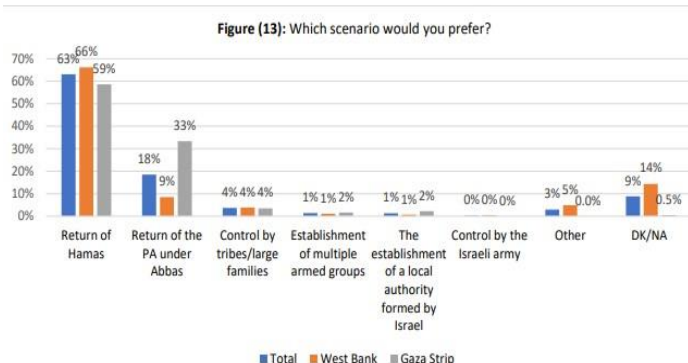


به نظر می‌رسد که هدف اصلی این اقدامات در وهله نخست تضمین هویت و صبغه یهودی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغال شده فلسطین و نادیده گرفتن اهالی فلسطینی این مناطق

بوده است. بدین ترتیب، اقداماتی مانند آوارگی و جابجایی مکرر فلسطینی‌ها در سراسر سرزمین-های اشغالی، کوچاندن اجباری آنها به کشورهای همجوار فلسطین و اخراج آنها از سرزمین خود به مناطق دیگر، ممانعت و مخالفت با حق بازگشت پناهندگان فلسطینی به موطن به دلیل تهدیدی که برای برتری جمعیتی یهودیان در سرزمین اسرائیل به حساب می‌آیند، همگی تاکتیک‌ها و ابزارهایی برای امنیتی‌سازی و پاکسازی قومی مردم فلسطین و محروم‌سازی آنها از هرگونه «پوشش حقوقی/قانونی» و در نهایت قرار دادن آنها به مثابه «هوموساکرهای» در شرایط «حیات برهنه» یا عملاً مرگ و نابودی تدریجی است که پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با شدت و حدت هر چه تمام‌تر از سوی دولت و ارتش رژیم صهیونیستی به اجرا درآمده است.

با این حال و به رغم شدت و گستردگی اعمال سیاست تاناتوپلیتیک از سوی رژیم صهیونیستی در قبال مردم غزه و مصائب فراوانی که طی جنگ اخیر متحمل شده‌اند، مردم این منطقه ضمن حمایت از حماس، همچنان به آینده امیدوار هستند. در تازه‌ترین نظرسنجی انجام شده از سوی «مرکز فلسطینی سیاست‌گذاری و افکارسنجی^۱ در کرانه باختری و نوار غزه بین ۵ تا ۱۰ مارس ۲۰۲۴؛ این پرسش مطرح گردید که «نظر آنها در مورد تصمیم حماس برای آغاز حمله هفتم اکتبر چیست؟»، اکثریت قریب به اتفاق ۷۱ درصد در مقایسه با ۷۲ درصد در دسامبر ۲۰۲۳، پاسخ دادند که این اقدام «درست» بود. همچنین در پاسخ به این پرسش که «آیا فکر می‌کنند جنگ غزه از ۷ اکتبر توجه بین‌المللی به مناقشه اسرائیل و فلسطین را احیا کرده است و این امر می‌تواند احتمال به رسمیت شناختن کشور فلسطین را تقویت نماید؟»، سه چهارم معتقدند «بله»؛ و تنها ۲۲ درصد نظرشان «نه» یا منفی است. و در نهایت در پاسخ به این پرسش که «از نظر آنها محتمل‌ترین سناریوی پس از جنگ چه خواهد بود؟» پاسخ ۵۹ درصد از مردم غزه این بود که ترجیح می‌دهند حماس بار دیگر کنترل نوار غزه را در اختیار خود بگیرد (ن. ک نمودار ۵)، (PSR, 15 April 2024, 5-43).

نمودار (۵) محتمل‌ترین سناریو (یا سناریوی ترجیحی شما) پس از جنگ چه خواهد بود؟



Source: (PCPSR, 15 April 2024, P, 14)

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش پیش‌رو پاسخ به این پرسش اساسی بود که رژیم صهیونیستی پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، چه رویکردی را در قبال حماس و به طور کلی فلسطینیان ساکن در غزه در پیش گرفته و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از مفاهیم نظری فوکو، اشمیت و جورجیو آگامبن در زمینه سازوکارهای اعمال کنترل اجتماعی (منقادسازی سوژه‌ها) بر پایه رویکرد بیوپلیتیک و تاناتوپلیتیک؛ نشان داد که رژیم صهیونیستی با توجه فقدان مشروعیت وجودی و در پی آن تهدیدات ادراک شده از سوی گروه‌های مقاومت فلسطینی نسبت به «امنیت هستی‌شناختی» یا موجودیت تاریخی خود، طی چند ماه اخیر تلاش کرده است در قالب رویکرد تاناتوپلیتیک، با بازتعریف و بازتولید حاکمیت «وضعیت استثنا» و استراتژی‌هایی مانند دیگری‌سازی (غیرانسانی‌سازی، حیوانی‌سازی) و امنیتی‌سازی فضا، مکان و هویت، مردم غزه را به مثابه «هوموساگر» در وضعیت «حیات برهنه» (موقعیت مرگ و نابودی و در بهترین حالت، شکلی حداقلی از زندگی) قرار دهد. در واقع رژیم صهیونیستی رویکرد خود در قبال فلسطینیان و بویژه حماس و مردم غزه را بازی با حاصل جمع صفر و «منطق عدم به رسمیت شناختن» آنها قرار داده است. این رژیم از بدو شکل‌گیری در سال ۱۹۴۸م، بر پایه پارادایم امنیت (وضعیت استثنا) متولد شد و همچنان برای حفظ بقا و دوام خود، با صدور احکام و فرامین اضطراری شبه قانونی به حاکمیت خود ادامه داده است. بر همین منوال، پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با نگاهی فرصت‌ساز به چالش وجود آمده، تلاش کرده است در قالب رویکرد دیرینه تاناتوپلیتیک محور خود و به کارگیری استراتژی‌هایی مانند دیگری‌سازی و امنیتی‌سازی؛ بدن‌ها و فضا‌های حیاتی آنها را به وضعیت «اردوگاهی حیات برهنه» فروکاهد و به سوژه‌های بی‌هویتی تبدیل گرداند که به راحتی آماج حمله، خشونت و در نهایت مرگ و نابودی قرار گیرند. صدور دستورهای نظامی پی‌در پی از سوی دولت و ارتش، فعال کردن ماشین سرکوب و خشونت

سیستماتیک، بازداشت و زندانی کردن فلسطینیان، جابجایی و کوچاندن اجباری آنها، بمباران مناطق مسکونی و مراکز بهداشتی / درمانی، ایجاد ممانعت در دسترسی مأموریت‌های بشردوستانه، تشدید حملات شهرک نشینان یهودی؛ همگی مصادیق عینی و آشکار عملیاتی کردن این رویکرد طی چند ماه گذشته است. با این حال همانطور که تازه‌ترین افکارسنجی فلسطینیان نشان می‌دهد به رغم شدت و گستردگی اعمال سیاست تاناتوپلیتیک از سوی رژیم صهیونیستی در قبال مردم غزه و مصائب فراوانی که طی جنگ اخیر متحمل شده‌اند، مردم فلسطین ضمن حمایت از حماس، همچنان به آرمان‌های اصیل گروه‌های مقاومت پایبند و همچنین به حاکمیت مردم فلسطین بر سرزمین‌های اشغالی امیدوار هستند.

کتابنامه

خبرگزاری میزان، (مهر ۱۴۰۲)، «بحران انسانی در غزه؛ در بزرگ‌ترین زندان رو باز جهان چه می‌گذرد؟»

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/۴۷۳۸۳۳۳/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷)، «انکار حق بازگشت فلسطینی‌ها مصداق بارز آپارتاید است»، کد خبر 82921271؛ ۰۸:۳۲

<https://www.irna.ir/news/82921271/%D8%A7%>

فرارو (۲۳ دی ۱۴۰۲)، «استدلال وکلای آفریقای جنوبی در اثبات نسل‌کشی اسرائیل»، تاریخ انتشار: ۰۸:۴۰ - <https://fararu.com/fa/news/699334/%D8%A7%>

روزنامه دنیای اقتصاد (۲۳ بهمن ۱۴۰۲)، «آمار تازه سازمان ملل درباره ورود آوارگان فلسطینی به رفح»، شماره روزنامه ۵۹۴۶ ۴۰۳۴۹۰۶

<https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%>

References

- Abu-Saad, I. (2018). Palestinian education in the Israeli settler state: Divide, rule and control. *Settler Colonial Studies*, 9(1), 96–116. <https://doi.org/10.1080/2201473X.2018.1487125>
- Adalah. (2017c). Law of return - adalah. Discriminatory Laws Database. <https://www.adalah.org/en/law/view/537>. 2022 Country Reports on Human Rights Practices: Israel, West Bank and Gaza, <https://www.state.gov/reports/2022-country-reports-on-human-rights-practices/israel-west-bank-and-gaza/>
- Agamben, G. (1995). *Homo Sacer: Sovereign Power and Bare Life*. Stanford University Press, Sanford.
- Agamben, G. (2005). *State of Exception*. University of Chicago Press.
- Amir, M. (2017). Revisiting Politicide: State Annihilation in Israel/Palestine. *Territory, Politics, Governance*, 5(4), 368-387. Advance online publication.
- Awayed-Bishara, M., & Netz, H., & Milani, T. (2022). Translanguaging in a context of colonized education: The case of EFL classrooms for Arabic

Hostilities in the Gaza Strip and Israel | Flash Update #92 [EN/AR/HE]) 15 Jan

2024(<https://lordslibrary.parliament.uk/humanitarian-situation-in-gaza/>

<https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/hostilities-gaza-strip-and-israel-flash-update-92-enarhe>. <https://www.oxfam.org/en/press-releases/daily-death-rate-gaza-higher-any-other-major-21st-century-conflict-oxfam>

Humanitarian situation in Gaza in Focus Published Monday, (05 February, 2024)

Israel declares war, goes after Hamas fighters and bombards Gaza, (2023/10/08)

<https://ny1.com/nyc/all-boroughs/news/2023/10/08/israel-declares-war--goes-after-hamas-fighters-and-bombards-gaza> Israeli Occupying Forces and Settlers Continue to Commit Crimes in the West Bank; the International Justice System is at Stake (21December 2023), <https://www.mezan.org/en/post/46339/Israeli-Occupying-Forces-and-Settlers-Continue-to-Commit-Crimes-in-the-West-Bank;-the-International-Justice-System-is-at-Stake>.

Islamic Republic News Agency (May 31, 2018), the denial of the Palestinian Returns is an obvious example of apartheid, news code 82921271, 1:31)

https://www.irna.ir/news/82921271/%D8%A7% (in Persian).

Jabareen, H., & Bishara, S. (2019). The Jewish nation-state law: Antecedents and constitutional implications. *Journal of Palestine Studies*, 48(190), 46–55. https://www.palestine-studies.org/sites/default/files/attachments/jps-articles/The_Jewish_Nation-State_Law_Antecedents_and_Constitutional_Implications.Pdf

Jiryis, S. (1973). The legal structure for the expropriation and absorption of Arab lands in Israel. *Journal of Palestine Studies*. 2(4), 82–104. <https://doi.org/10.2307/2535632>

Khader, J. (November 8, 2015) The Living Dead in Palestine and the Failure of International Humanitarian Intervention <https://truthout.org/articles/the-living-dead-in-palestine-and-the-failure-of-international-humanitarian-intervention/>

Khalili, L. (2008). Incarceration and the State of Exception: Al-Ansar Mass Detention Camp in Lebanon. *Thinking Palestine*. By Ronit Lentine State of Exception: Al-

Knesset. (2018). Basic law: Israel - the nation state of the Jewish people. The Knesset. <https://knesset.gov.il/laws/special/eng/BasicLawNationState.pdf>

Halil Ibrahim Medet, (2023) Israel paints Palestinians as 'animals' to legitimize war crimes: Israeli scholar Israel 'dehumanizes Palestinians in claims that they are immoral,' Israeli professor of international law and human rights Neve Gordon tells Anadolu |23.10.2023 - Update : 24.10.2023. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/israel-paints-palestinians-as-animals-to-legitimize-war-crimes-israeli-scholar/>

- Lemke, T. (2001). The Birth of Bio-Politics: Michel Foucault's Lecture at the Collège de France on Neo-Liberal Governmentality. *Economy and Society* 30 (2): 190–207.
- Lentin, R. (2018). *Traces of Racial Exception: Racializing Israeli Settler Colonialism*. London: Bloomsbury.
- Matsuoka, Atsuko & Sorenson, John (2021) "Like an Animal" Tropes for Delegitimization. In *Like an Animal: Critical Animal Studies Approaches to Borders, Displacement, and Othering* (Ed.) Natalie Khazaal & Nuria Almiron. Leiden/Boston: Brill Rodopi, 101–124.
- Mizan Agency, (October 2023), Human Crisis in Gaza; what is the world's largest open prison? <https://www.mizanonline.ir/en/news/4738333/> (in Persian).
- Murray, S.(2006). *Thanatopolitics: On the Use of Death for Mobilizing Political Life*. *Polygraph* 18.
- Murray, S.(2008). *Thanatopolitics: Reading in Agamben a Rejoinder to Biopolitical Life*. *Communication and Critical/Cultural Studies* 5 (2): 203–7. <https://doi.org/10.1080/14791420802024350>.
- Puar, J. (2017). *The Right to Maim. Debility, Capacity, Disability*. Durham: Duke University Press.
- Palestinian Center for POLICY and SURVEY RESEARCH (PCPSR), (15 April 2024), Public Opinion Poll No (91), Available at: <https://www.pcpsr.org/>
- Pappe, Ilan (2008) "The Mukharabat State of Israel: A State of Oppression Is Not a State of Exception." *Thinking Palestine*. By Ronit Lentin. London: Zed. pp. 148-71.
- Saabneh, A. (2021). Health inequalities between Palestinians and Jews in Israel: The role of extreme spatial segregation. *Population, Space and Place*, 21(5), e2539–e2539. <https://doi.org/10.1002/PSP.2539>.
- Schmitt, C. (2005). *Political Theology: Four Chapters on the Concept of Sovereignty*. University of Chicago Press, Chicago.
- Tanous, Osama; Asi, Yara; Hammoudeh, Weeam; Mills, David; Wispelwey, Bram (2023), Structural racism and the health of Palestinian citizens of Israel, *Global Public Health*, An International Journal for Research, Policy and Practice, Volume 18, 2023 - Issue 1
- Shenhav, Y. (2006). The Imperial History of State of Exception. *Theory and Criticism* 29. 1-9
- World Economics Newspaper (Donya-e-Eqtasad) (February 1st 2023), UN new statistics on the arrival of Palestinian refugees into Rafah, newspaper number 1 <https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%> (in Persian).